

ایشان خیلی استفاده نمیکند با مشاهده اینها که این استفاده ها هم برای مجلس باقی بماند و چه فرق میکند خدمت در ادارات دولتی و نمایندگی مجلس همه خدمت بملکت و ملت است یک کسی که شایسته این قسم از مقامات باشد باید در مقام و موردی که یک خدمتی از او ساخته است آن سمت را با او داد باین ملاحظه فرما بکمیسیون تسخیر هم رجوع شود گمان میکنم آن منافات بازم باقی خواهد بود که ایرانی را باید در این قبیل حقوق شراکت داد که بتواند در ادارات دولتی مستخدم شود چنانچه هر کس حق دارد که وکیل را انتخاب کند و بوکالت انتخاب شود اینهم از آن حقوقی است که باید بهر کسی داد.

**رئیس** - اینجا چند فقره تقاضا شده است یکی راجع به تویق این لایحه که خود آقای عزالمملک تقاضا کرده یکی راجع است قابل توجه بودن یکی هم رجوع شدن بکمیسیون تفسیر چون بموجب نظامنامه داخلی تویق لایحه حق تقدم دارد اول باید بآن رای بگیریم.

**عزالمملک** - بنده اجازه میخواهم.

**رئیس** - بفرمائید.

**عزالمملک** - بنده مقصودم تویق لایحه بود عرض کردم حالا رأی در قابل توجه بودن طرح بنده بگیرند تا وقتی که راپورت کمیسیون تفسیر راجع باصل (۱۳) قانون اساسی بمجلس آمده و رأی در این خواهند گرفت آن وقت رأی در قابل توجه بودن طرح بنده بگیرند و ماده (۹۷) نظامنامه داخلی هم اینطور حکم میکند که بدون مذاکره باید در این تقاضای بنده رای بگیرند.

**رئیس** - همان است که گفته شد حق تقدم دارد این است که اول در تقاضای شما رأی بگیریم اگر تصویب نشد سایر تقاضاها را رأی بگیریم اگر تصویب نشد سایر تقاضاها را رأی بگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که آن طرح آقای عزالمملک موافق باشد تا آن که آن راپورتیکه از کمیسیون تفسیر باید بیاید و وقتی که آمد این طرح مطرح میشود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت ۳۹ رأی تصویب شد چند فقره راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی است قرائت میشود و رأی میگیریم.

(۱) راجع به آقای ادیب التجار قرائت شد بدین مضمون آقای ادیب التجار تقاضای ده روز مرخصی نموده بودند پس از مذاکره در کمیسیون عرایض ده روز مرخصی ایشان تصویب شد.

**رئیس** - رأی میگیریم راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی که مرخصی در روزهای اولیاد ادیب التجار را تصویب کرده است آقایانیکه این راپورت را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد.

(۲) راجع باقای حاج دکتر رضاخان مضمون ذیل قرائت شد عریضه آقای دکتر حاج رضا خان در باب تقاضای مرخصی جهت روز در کمیسیون عرایض و مرخصی مطرح شود گردید پس از مذاکره با اکثریت تقاضای ایشان رد تصویب نگردید.

**دکتر حاج رضاخان** - بنده تقاضای خود را مسترد میدارم.

(۳) راجع باقای کاشف بیارت ذیل خوانده شد آقای کاشف تقاضای مرخصی یکماه نموده بودند در کمیسیون عرایض مطرح مذاکره شد با اکثریت رد و تصویب نشد.

**رئیس** - رأی میگیریم راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی که مرخصی یکماه آقای کاشف را تصویب نکرده است آقایانیکه راپورت کمیسیون را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند).

**رئیس** - راپورت کمیسیون تصویب شد یعنی اجازه مرخصی داده نشد.

(۴) راجع باقای مصدق المملک بیارت ذیل قرائت شد آقای مصدق المملک تقاضای پانزده روز اجازه مرخصی نموده بودند در کمیسیون مطرح و با اکثریت رد و تصویب نشد.

**رئیس** - رأی میگیریم باین راپورت که تصویب نکرده است مرخصی را آقایانیکه این راپورت را تصویب میکنند یعنی مرخصی را تصویب میکنند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - راپورت تصویب شد فواین که از کمیسیونها آمده باشد و حاضر باشد برای دستور خیلی کم است از آقایان خواهش میکنم قانون بستی را که مدتی است شور اول آن شده است و بکمیسیون رفته است زودتر حاضر بکنند که جزه دستور بشود طرحی است که از طرف چند نفر آقایان پیشنهاد شده است قرائت میشود مقررست بکمیسیون منکرات (بیارت ذیل خوانده شد)

چنانچه اغلب از نمایندگان محترم مسیوق هستند چندین کرور تومان از ثروت ملت و مملکت صرف بنای باغات دولتی و عمارات و قنوت آنها گردید و اگر گماهو حقه توجهی در مقام حفظ و حراست آنها میندول گردد علاوه آنکه منافع آنها کفایت مخارجشان را خواهد کرد در آینده عایداتی هم برای دولت خواهد داشت ولی از ابتدای تشکیل دولت مشروطه بواسطه عدم توجه اولیای امور اغلب از عمارات بحالت خرابی افتاده بقسمیکه اگر بزودی با مخارج جزئی جلویگیری و تعمیر نشود بعدها بکلی ویران و موجب خسارات بزرگ خواهد شد و دیگر آنکه آب قنات دوشان تپه راه مسایه آن قنات برده بقسمی قنات خشک و باغ دوشان تپه را محتاج باغ خارجی کرده است بلکه آب قنوت دیگر هم که مخصوص مشروب شدن باغات بوده است بخارج فروخته بقسمی که اغلب اشجار خشک شده و بریده اند مثل اینکه بعضی از انانیه و اسباب عمارتها را هم از میان برده اند.

نظر بمنظورات فوق سمداده ذیل را پیشنهاد مجلس شورای ملی مینمایم که پس از تصویب متضمن بموقع اجراء گذاشته شود.

مادداولی - از ابتدای همدساله سنه ۱۳۳۹ کتبه باغات و قنوت و گوسفند دولتی از اداره وزارت فواید عامه منتزع و جزء ادارات وزارت مالیه اداره خواهد گردید.

ماده ثانیه - برای نگاهداری باغات دولتی و تعمیر عمارات تنقیه قنوت آنها نظر بصره دولت هر ترتیبی را که وزارت مالیه لازم بداند باستحضار

خزانه دار کل معمول و مجری خواهد داشت.

ماده سوم - باغات مخصوص توقف و تفریح سلطنت عظمی را با تصویب وزارت دربار اداره خواهند نمود.

(امضای ۱۶ نفر از نمایندگان)

**رئیس** - این طرح فرستاده میشود بکمیسیون منکرات. آقای عزالمملک و سلیمان میرزا تقاضا کرده اند قرائت میشود و رأی میگیریم.

(تقاضای مزبور بیارت ذیل خوانده شد)

(ماتقاضا میکنم کمیته مرکب از ۶ نفر از طرف مجلس شورای ملی مأمور شرفیابی حضور والا حضرت اقدس شده استدعای رفع عاجل بحران حاضر را از مقام نیابت سلطنت رسمی نمایند.

**سلیمان میرزا** - بنده میدانم که چندین دفعه است که در این مقام اظهار کرده ام که در موضوعات کلیه امور و اساسی کابینه متکی با اکثریت مجلس نیست بلکه متکی بانساق مجلس است مثلا در موضوع امنیت بلاد و سرحدات هیچ لازم نیست بگوئیم کابینه متکی با اکثریت مجلس است مخصوصاً متکی بانساق مجلس خواهد بود اختلافات نظریات سیاسی بهیچوجه در مقامات کلی تفاوت نمی کنند از قبیل امنیت مملکت و حفظ انتظامات و تعیین حکام و تشکیل اردوها و رفع اختلافات و فراهم نمودن اسلحه و ذخایر اینها چیزی نیست که نظر سیاسی در آنجا مداخله داشته باشد تمام اینها کلیاتی است که انتظامی بالخصوص در اینموقع که تمام از وضع حالیه و ترتیبات بعضی از نقاط مملکت مستحضر هستیم لازم دانستم که تکرار کنم اختلافاتی بین اکثریت و اقلیت در این قبیل موضوعات نیست و هیچ یک از اکثریت و اقلیت امتداد این بحران حاضر را بهیچوجه تصویب نمیکند چنانچه از طرف مجلس اقلیت که در مجلس و کلای اقلیت چه در خارج از روزنامه های اقلیت نوشته هر که هر نوع حکومتی بپذیرد از عدم حکومت است و مملکت در هر صورت بک مسئولی را باید داشته باشد و هر روز با این رضع حاضره و این بحران متناهی که یک هیئت دولتی لازم دارد تمام وقت خودش را صرف انتظامات بکند مدتی است که معلوم نیست که مسئول مملکت کیست و یک بحران غریب و عجیبی در کابینه دست داده و این بحران را بنده از طرف اقلیت عرض میکنم و می دانم که اتفاق مجلس هم با بنده موافقت دارد و همه مضر میدانند شنیده شده است که یا دیروز یا دیروز و زراء عموماً استعفاي خودشان را ب مقام نیابت سلطنت تقدیم داشته اند در یک چنین موقعی نباید یک چنین امر مهمی را بتویق انداخت اینهم گذشت پس بنده تقاضا میکنم از طرف اقلیت و در حقیقت میدانم که اتفاق و کلاسه باینده همراه است و بنام مجلس می توانم این تقاضا را بکنم که یک هیئتی از طرف مجلس که مرکب باشد از شش نفر مطابق نظامنامه داخلی شرفیاب حضور والا حضرت اقدس شوند و خاتمه این بحران را بخواهند و سؤال کنند اگر استعفاي آقایان وزراء صحت دارد و استعفاء داده اند هر کس بوظیفه خودش رفتار بکند یعنی کاندیدهای خود را برای رئیس الوزرائی معرفی بکنند و او یک کابینه تشکیل بدهد و مسئول بشود از برای

رفع این بحرانها و برای این ترتیبات و خطرات اقدامی بکنند استدعا میکنم که اگر با بنده همراه هستند یعنی باین تقاضای بنده که آقای عزالمملک هم در غیاب آقای میرزا مرتضی قلیخان امضاء فرمودند این هیئت را انتخاب بکنیم که زودتر اینکار را خاتمه بدهند و باین ترتیب بحران نگردد و تکلیف مسئول مملکت معین بشود و بیک فکر اساسی در موضوع امنیت مملکت و راحت مردم بشود.

**رئیس** - فقط بدونفر اجازه نطق داده میشود دیگر بفرمائید که نخواهد شد.

**عزالمملک** - همین طور که شاهزاده سلیمان میرزا اینجانبان فرمودند بحران اوضاع حاضره طوری است که قطع نظر در اختلافات و فرقی که اسباب تأسف و تکدر تمام مجلس شورا شده است چنانچه مکرر امتحان شده است از این قبیل موارد اساس اختلافاتی گذر فرود ممکن است متصور شود میان هیئت مجلس در اصول هیچ ممکن نیست و مرتفع می شود و تمام مجلس شورا متفق است که تقویت بکند از آن هیئتی که مسئولیت نظم مملکت را برعهده خواهند گرفت بنا بر این همان طوری که عرض شد دولت بحران حالیه یک هیئتی را که مسئول نظم مملکت بشود تا یکسکدره از میان برده است این جهت تقاضا شده است که بشهیت شش نفری از مجلس انتخاب شود و شرفیاب حضور والا حضرت اقدس بشوند و تقاضاییکه میکنند این باشد که بهر نحوی که مقتضی میدانند خاتمه باین بحران بدهند و هر هیئتی را که مقتضی میدانند مأمور حفظ نظم مملکت بکنند و البته در همچو موقع باریکی که ما می بینیم مقتضیات مملکت این است که اتفاق مجلس شورا باشد و با آن هیئتی که مأمور انتظامات مملکت باشد متفقاً همراهی بکنند.

**رئیس** - بکمرتبه دیگر خوانده میشود و رأی میگیریم (مجدداً قرائت شد).

**رئیس** - آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ولی وقتیکه از مجلس خارج میشوید بترتیب معمول آن هیئت را انتخاب کنید یک کمیسیونیکه آقای حاج آقا تقاضا کرده بودند از این قرار معین شده است: آقای صدر العلماء آقای هشترودی - آقا شیخ محمد خیابانی - آقای ذکاء المملک - آقای حاج سید نصرالله - آقای لسان - الحکماء دستور شنبه ۱۸ اولاً شور در بقیه قانون شرکت های تجاری ثانیاً شور در چهار فقره راپورت کمیسیون - تفسیر راجع بنظامنامه داخلی و قانون و ایف و قانون اساسی - تالار راپورت کمیسیون بودجه راجع بورئه غلامحسین و محسن خان.

**لواءالدوله** - در جلسه قبل عرض کردم که لایحه از طرف وزارت مالیه راجع بادیبالمجاهدین کرمانی نوشته شده است در کمیسیون بودجه تصویب شده است زحمت هم کشیده است بایش هم گلوله خورده است مقرر فرمودید که در جلسه دیگر جزء دستور شود حالا چون دیدم جزء دستور نیست از این جهت تقاضا میکنم جزء دستور شود دیگر آنکه دوفقره از اعضاء کمیسیون نظام کسر است استدعا

دارم مقرر فرمائید بجای آنها انتخاب شود.

**رئیس** - آنچه راجع باعضای کمیسیون نظام است در جلسه بعد مذاکره میکنم راجع به دستور نیست اما دو خصوص راپورت کمیسیون بودجه چون از این قبیل راپورتها که از کمیسیون بودجه آمده و راجع بجاهدین است خیلی هست یعنی از ابتدای اول بارسال آمده است آنها هم که زودتر به هیئت رئیسه رسیده و بیشتر مغلط شده است آنها حق تقدم دارند باید رعایت تقدم بشود آنها که پیشتر رئیسه رسیده باید بگذرد تا مال ادیب جزء دستور شود.

**حاج آقا** - سابق بر این یک طرحی راجع بمنع احتکار از طرف بعضی از نمایندگان پیشنهاد شده بود و چندین جلسه مذاکره شده و در وقتیکه کمیسیون داخله که با حضور وزیر داخله مذاکره شود مدتی است که کمیسیون رفته است و هنوز عنوانی نشده است و راپورتی داده نشده است بنده تقاضا میکنم که اگر از کمیسیون آمده است جزء دستور شود والا از طرف هیئت رئیسه اخطار بشود که آن طرح را زودتر تمام بکنند و راپورت بدهند که جزء دستور بشود و اسباب فراهم مردم بشود.

**رئیس** - راجع بدستور نبود.

**حاج آقا** - راجع بدستورات.

**رئیس** - چیزی که حاضر نیست چطور میشود که تقاضا بکنید که جزء دستور.

**حاج آقا** - بنده سؤال کردم که اگر حاضر است جزء دستور شود.

**رئیس** - حاضر نیست هر وقتیکه حاضر شد اطلاع میدهند و جزء دستور هم میشود.

در این موقع ددقیقه قبل از ظهر رئیس حرکت نموده و مجلس ختم شد.

**جلسه ۲۷۲**

**صورت مشروحه مجلس یوم شنبه ۱۸ شهر رجب ۱۳۲۹**

**رئیس** - ( آقای مومنین الملک ) سه ساعت ونیم قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس نموده سه ساعت و ربع قبل از ظهر مجلس را رسماً منقذ کردند آقای میرزا ابراهیم خان صورت مجلس گذشته را قرائت کرد.

( اسامی غائبین جلسه قبل در ضمن صورت مجلس به ترتیب ذیل قرائت شد )

غائبین بدون اجازه آقایان ناصر الاسلام حاج وکیل الرعایا - حاج امام جمعه خوئی - دکتر اسمعیل خان ( غائبین با اجازه ) آقای طباطبائی - مرتضی قلیخان - معاضد السلطنه - ادیب التجار - آقایانیکه بعد از وقت مقرر حاضر شده اند آقای متین السلطنه یکساعت و ددقیقه - آقای معین الرعایا یکساعت و یئدقیقه آقای وحید الملک جهل دقیقه آقایان سیدالاطیبا و شریف العلماء هر یک یکساعت و پنج دقیقه آقایان ذکاء الملک - دکتر امیرخان - معتمد التجار میرزا علی اکبر خشان - آقای مدرس هر یک نیمساعت.

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظه نبود - صورت مجلس تصویب شد.

شروع میکنم بقانون شرکتهای از ماده ۸۱ (ماده ۸۱ طرح بهبارت ذیل خوانده شد) فصل ۶ در ترتیب تسخیر شرکت.

ماده - ۸۱ پس از تسخیر شرکت شرکتهای از میان خود چند نفر برای تعیین قروض و مطالبات و دارائی شرکت و نسبتی برای تأدیبه قروض و ایصال مطالبات انتخاب میکنند تعیین این اشخاص باید به ترتیب ماده ۹ و ۱۳ مصدق و اعلان بشود و اشخاصی که اخیراً بسمت مدیری معین شده بودند نمی توانند باین شغل منصوب شوند.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۸۱ پس از کله چند نفر نوشته شود امین بعنوان وکالت.

**رئیس** - در این ماده مغالطی هست ( اظهار مغالطی نشد )

**رئیس** - ماده ۸۲ خوانده میشود.

ماده ۸۲ اختیارات اشخاص مزبوره اداره کردن اموال شرکت و وصول کردن مطالبات و پرداختن قروض است ولی بدون اجازه مخصوص شرکاء حق رهن و قبول کردن و فروختن اموال غیر منقول و صلح و عواید ندارند.

پیشنهاد کمیسیون - در ابتدای ماده ۸۲ اضافه شود امناً.

**رئیس** - مغالطی است.

**حاج سید ابراهیم** - چون لفظ معاملات اهم است و شامل همه قسم معاملات تجاری میشود لیکن اینجا اسم برده است چند چیز مخصوص را از قبیل مطالبات و قروض و غیره اگر بک لفظ معاملات نوشته شود که شامل بیع و شری و سایر اقسام معاملات هم بشود تا اینکه تمام معاملاتی که در تجارت معمول است در ضمن وظایف این هیئت ذکر شده باشد که محتاج با اجازه مخصوص نباشد.

**افتخار الواعظین** - مخیر کمیسیون اگر چیزی بنظرشان میرسد پیشنهاد بکنند شاید کمیسیون هم بپذیرد.

**رئیس** - یک چیزی که بنظرتان میرسد پیشنهاد کنید تا رأی بگیریم ماده ۸۳ را بخواهند.

ماده ۸۳ - پس از انتخاب بدو قبل از هر نوع اقدام باید قروض و مطالبات و دارائی شرکت را معین نموده با اطلاع مجلس شرکاء برسانند صورتیکه از این بابت ترتیب داده میشود باید اقلا ده روز قبل از انعقاد مجلس شرکاء در دفتر شرکت برای رجوع حاضر باشد و این انعقاد مجلس شرکاء باید بیست روز قبل از روز موعود در روزنامه اعلان شده باشد معاین عام بطور اعلان بشرکاء اطلاع داد میشود کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.

**آقای سید حسین اردبیلی** - خوب است لفظ معاین معین نوشته شود.

**رئیس** - مغالطی دیگر نیست ( اظهاری نشد )

**رئیس** - ماده ۸۴ خوانده میشود.

ماده ۸۴ - در رأس هر ماده صورتی ترتیب داده اقداماتی که در طرفی ماه گذشته کرده اند و نیز مطالبات را که وصول و قروض را که پرداخته اند در صورت مزبور قید و در دفتر مرکز شرکت برای اطلاع شرکاء حاضر خواهند کرد - کمیسیون عیناً تصویب کرده بود.



**رئیس** - در این ماده مخالفی نیست - ماده ۸۵ را بخوانید.

ماده ۸۵ - در صورت تقصیر یا قصور هر يك از شرکاء حق دارد بحکم عدلیه تظلم نماید پس از آن که مراتب به ثبوت رسید محکمه امر بتشکیل مجلس شرکاء داده و شرکاء دیگری را معین میکنند در صورتیکه بیست نفر که دارای ده يك سرمایه هستند تقاضای انعقاد مجلس شرکاء را نمایند بدون رجوع بحکم عدلیه مجلس باید منعقد شود.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۸۵ پس از کلیه قصور اضافه شود (امتناً) و بعد از لفظ شرکاء در آخر زیاد شود (اشخاص دیگری را معین میکنند).

**آقای مدرس** - لفظ قصور را نباید داشته باشد.

**رئیس** - در طرح هست ولی در پیشنهاد کمیسیون لفظ قصور نیست.

**آقای میرزا احمد** - لفظ قصور هم لازم است برای آنکه تشکیل يك مجلس ممکن است بواسطه قصور اعضا لازم شود تقصیر و قصور هر دو اسباب این میشود که بحکم گفته شود و محکم امر به تشکیل مجلس شرکاء بکنند.

**آقای مدرس** - رجوع بدلیه و تظلم با قصور مناسب نیست و قتیکه قصور شد اخطار میکند مناسب قصور اخطار است نه تظلم مناسب تقصیر متظلم است.

**آقای میرزا احمد** - عرض کردم منافاتی ندارد میشود خسارتی وارد شده باشد از باب قصور آنوقت تظلم میکنند از برای اینکه اشخاص دیگری را بیارند جای اینها بنشانند که دیگر ضبط و عطا می شود.

**رئیس** چون دیگر مخالفی نیست ماده ۸۶ خوانده میشود.

فصل هشتم در مجازات

ماده ۸۶ در صورتیکه مدیران شرکاء مختلطه سهامی و شرکاء محدود سهامی شرایط اساسی آن را رعایت نکرده باشند علاوه بوجه خسارتیکه بروفق مراد فوق برعهده آنها است اگر قصوری عمدی بوده است از صد تومان الی ده هزار تومان جریمه و از دوماه الی دوسال حبس میشود.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۸۶ در صورتیکه مدیران شرکاء مختلطه سهامی و شرکاء محدود سهامی شرایط اساسی آنرا رعایت نکرده باشند علاوه بوجه خسارتیکه برعهده آنهاست اگر قصوری عمدی بوده است از دوماه الی دو سال حبس میشود مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند.

**حاجی وکیل الرعایا** - در این جانه از صد تومان الی ده هزار تومان را میشود جریمه قرارداد نه حبس را میشود از برای يك تاجر معترمی تصویب کرد در صورتیکه آن تاجر حاضر است که عوض آن قصور یا تقصیری که کرده است غرامت بدهد بنده تصور میکنم برای يك تاجر معترمی این کافی است که غرامتیکه وارد آورده است از او بخوانند دیگر نه حبس میشود او را کرد نه جریمه.

**افتخار الواعظین** - بنده تعجب میکنم از فرمایشات آقای حاج وکیل الرعایا و قتیکه نباشد

که از برای يك شرکته قانونی نوشته میشود و اجرای آن قانون بدست مدیران شرکاء باشد مدیر که مراعات آن قانون را نکرده باشد و مخالفت با قانون کرده باشد در این صورت میفرمایند من از برای او حبس و جریمه را تصویب نمیکم یعنی چه با جریمه بله جریمه را کمیسیون هم تصویب کرده است ولی کسیکه مخالفت با قانون بکند آنهم قانونی که از مجلس شورای ملی بگذرد مجلس شورای ملی قرار بدهد از برای تأسیس يك شرکاء آن قوانین را مراعات بکند و خود سرانه بخواند تشکیل يك شرکته بدهد بنده برای او حبس را لازم میدانم.

**حاجی شیخ اسدالله** - اینکه این جا مینویسد قصور عمدی از چیز غریبی است قصور که عمدی شد همان تقصیر است این دینار قصور کردن هیچ مناسب ندارد و همان قسمتیکه فرمودند آقای مدرس قصور را باید این جا برداشت قصور چیزی نیست که تقصیر شمرده شود و بواسطه او مرتکب را مجازات کرد و اگر مراد تقصیر است که آن را قصور نمی توان گفت و قصور عمدی همان تقصیر است **افتخار الواعظین** - مراد از قصور عمدی خطای عمدی است یعنی اگر يك خطای عمدی کرده باشد باید او را مجازات نمایند نه اینکه مراد معنی اصطلاحی آن باشد حالا اگر این عبارت خوب نیست ممکن است تغییر بدهند.

**محمد هاشم میرزا** - از توضیحیکه آقای مجبر فرمودند بر اشتباه بنده افزوده شد فرمودند که مراد از قصور عمدی خطای عمدی است نه منای مصطلح خطا عمدی که هیچ مناسبتی باین کلمه ندارد و حالا اگر این يك اصطلاحی است که ایشان میخواهند در این قانون قرار بدهند پس خوب است بیان اصطلاح را هم در اینجا بفرماید و اگر اصطلاح جدیدی هست و در سابق نبوده است که بفرماید در کدام علم چنین اصطلاحی است و اگر مراد معنای لغوی که این کلمه بجهت امتحان معنائی ندارد.

**آقای مدرس** - عرض میکنم بجای اینها لفظ مقصر بنویسند رفع این اشکالات میشود.

**رئیس** - قبل از شور دوم اگر بایده اصطلاحی شود خواهد شد ماده ۸۷ را بخوانید ماده ۸۷ مدیرانیکه برای شرکاء منافع جعلی قرار داده اند از پانصد الی ده هزار تومان جریمه و از چهار ماه الی یکسال حبس میشود و اعضای هیئت ناظره که در تقشیر و رسیدگی و اطلاع بمجلس سهام کوتاهی کرده باشند هر يك از سیصد الی هزار تومان جریمه میشوند و اگر عمداً قصوری کرده اند هر يك از پانصد الی پنج هزار تومان جریمه و از دو ماه الی ۶ ماه حبس میشوند.

پیشنهاد کمیسیون - ماده ۸۷ مدیرانیکه برای شرکاء منافع جعلی قرار داده اند از چهار ماه الی يك سال حبس میشوند و اعضای هیئت ناظره که در تقشیر و رسیدگی و اطلاع بمجلس سهام تقصیر کرده باشند از دوماه الی شش ماه حبس میشوند مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند.

**حاج شیخ اسدالله** - اینکه مینویسد مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند این جبران نمیکند

است و بمجلس سهام اطلاع نداده است چون راجع بحق شخصی و ضرر شرکاء میشود اگر راضی شوند دیگر حق جنسی ندارد.

**بهجت** - این جا منافع جعلی که میگویند شاید همچو تصور بشود که مدیران شرکاء يك منافی برای این کار جعل بکنند و بنده تصور نمی کنم که ممکن باشد مدیر چنین کاری را بکنند بواسطه اینکه صورت خرید و فروش منافع کلادر دفتر ثبت است چه طور تصور میشود که مدیران بتوانند منافی جعل بکنند و در دفتر وارد بکنند خوب است آقای مخبر توضیح بفرمایند تا بنده هم بفهمم.

**افتخار الواعظین** - ایجا تصور خیلی آسانست مثلاً بغیال آنکه میگویند فلان زمین را اگر بخرند فلان قیمت میفرورند و فلان قدر منافع عاید شرکاء میشود يك منافع جعلی موهومی يك معامله میکنند و يك ضرری از آن راه بشرکت وارد میشود یا اینکه در وقت صورت دادن بعضی منافع جزئی را منافع کلی بنظر شرکاء جلوه میدهند از برای اینکه شرکاء تانیاً که میخواهند مدیر انتخاب بکنند همان ها را انتخاب بکنند این را در اشخاص مختلفه مینوان تصور کرد.

**حاج شیخ اسدالله** - توضیحی که آقای مخبر دادند جوابی نبود که بتوان آن قناعت کرد و متقاعد شد که مراد همین باشد این عبارت يك عبارت است که معنای از آن فهمیده نمیشود بیفایده است اما در باب آن مطلب که اول عرض کردم بنده عرض کردم اینجا منافع شخصی متصور نیست و اگر در آن مورد خلاف یا خیانتی بکنند بان نظر ضرری که بشرکاء وارد آورده است از او ساقط نخواهد شد چون نسبت بان هادون نظر است یکی نظری است که راجع است بشرکاء و يك نظری است که راجع باصل وضع قانون و قانون مملکتی است ما این قانون را که میخواهیم در اینجا وضع کنیم فقط برای يكمده شرکاء نیست برای حفظ يك تجارتخانه است که در يك مملکتی قانون تجارتی و شرکته معمول بشود حالا اگر در يك قانون شرکته يك خیانتی کرد عفو کرد آن شرکاء آن شخص را جبران آن خیانت او را که نسبت بيك قانون شرکته کرده است نمیکند بله آن شخص این خیانتی را که بشرکاء کرده است آن حق را که شرکاء پیدا کرده اند بعد از این خیانت اگر راضی شدند آن حق آنها ساقط خواهد شد و دیگر برای شخص خائن و مقصر چیزی نیست بمقتضای حقوق شخصی اما نسبت بان قانون خلاف وظیفه خودش رفتار کرده است آنچه باید منظور بکنند و حفظ حقوق خودش را منظور نکرده است و خیانت کرده است نمیتوان بعضی عفو شرکاء از برای او مجازاتی قرار نداد و مجازات او را ساقط کرد عرض کردم بيك نظر حق شرکاء ساقط میشود و دیگر از این حیث برای چیزی نیست اگر ضرری وارد آورده است چیزی از او نمی گیرند بواسطه اینکه او را عفو کردند دیگر چیزی مطالبه نمیکند و آن خسارت را از او نمیگیرند اما بيك مجازات حبس برای این شخص باید قرار داد برای جلوگیری از تمام اشخاصیکه مأمور این شرکته میشوند که بمجرد اینکه شرکاء آنها را عفو میکند اسباب

تجری دیگری نشود و او هم بيك خیانت دیگری بکند یا اینکه اسباب تجری خود این شخص شود و بواسطه آنکه شرکاء او را عفو کردند بيك خیانت دیگری بکند و بنده اینجا لازم میدانم و هیچ منافاتی با عفو شرکاء از حقوق خودشان ندارد و باید مجازات اینجای باشد **آقای شیخ ابراهیم** - اینکه فرمودند این از باب حقوق شخصی است این اشتباه است حقوق شخصی در جانی است که کسی طلبکار داشته باشد ادای دین نکند او را حبس میکنند اما اینجا آنطور نیست و تخطی از حدود خودش کرده است و حق نداشته است این دین نه بوده است تا او را حبس کنند پس یا او را از اول هیچ نیاید حبس کنند یا اگر حبس کردند نمیشود او را عفو کرد اگر تغلف بکنند اگر مجازات دارد باید مجازات بشود اگر مجازات ندارد که نباید مجازات بشود ربطی بحقوق شخصی ندارد مدیون نیست که اگر ادای دین نکند او را حبس کنند بعد خلاص کنند.

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی باشد (گفتند کافی است)

**رئیس** - ماده ۸۸ قرائت میشود.

ماده ۸۸ - طرح - کسانیکه در مجلس سهام حق حضور نداشته به تقب داخل شده و رأی داده اند اشخاصیکه در این امر با آنها شریک بوده اند از صد الی هزار تومان جریمه خواهند شد.

رایوت کمیسیون ماده ۸۸ - کسانیکه در مجلس حق حضور نداشته و به تقب داخل شده و رأی داده اند و اشخاصی که در این امر با آنها شریک بوده اند چهار ماه الی یکسال حبس خواهند شد.

**رئیس** - مخالفی نیست (اظهاری نشد)

ماده ۸۹ - طرح - کسانیکه مرتکب بجمعیت اکثریت آراء میشوند از صد الی پنج هزار تومان جریمه و از پنج روز الی یکسال حبس میشوند ماده ۸۹ - کمیسیون - کسانی که مرتکب بجمعیت اکثریت آراء می شوند از پنج روز الی چهار ماه حبس میشوند

**حاج شیخ اسدالله** - مرتکب بجمعیت یعنی چه این عبارت را خوب است توضیح بفرماید که مقصود واضح شود.

**افتخار الواعظین** - در عدد ۱ نفری اکثریت حاصل نمیشود مگر موقعیکه ۶ نفری رأی بدهند ۵ نفری رأی داده اند این را بگویند که ۶ نفری رأی دادند و اکثریت حاصل شده این اکثریت جعلی است.

**حاج شیخ اسدالله** - این جا مدعی است که اکثریت هفت یا اکثریت نیست و آنرا بنده تصور نمی کنم که مراد اکثریت جعلی باشد مثلاً عدد ۱۲ نفر است اکثریت رأی نماده ۶ نفری رأی داده است این مدعی است که ۷ نفری رأی داده اند این بيك تریبی است در خصوص گرفتن رأی اگر ادعائی که میکنند و قابل استماع است از او میشوند اگر نیست رد میکنند حالا اگر يك امری بر کسیکه مدعی این امر شده است اشتباه شده باشد و از برای اینکه يك همچو اشتباهی شده است یکسال او را حبس میکنند بنده اینرا نمی فهمم این معنی ندارد این خیلی واهی بنظر میاید و اگر مراد چیز دیگر است که بفرمائید.

**رئیس** - اگر عبارت را کمی نمی دانید خوب است پیشنهاد کنید در کمیسیون اصلاح میکنند دیگر مخالفی نیست - (اظهاری نشد) ماده ۹۰ قرائت میشود (ماده مزبور ببارت ذیل قرائت شد).

ماده ۹۰ طرح - کسانیکه حصه جنسی خود را موافق شرایط مقررده به تقویم نرسانند اند از صد الی پنج هزار تومان جریمه میشوند ماده ۹۰ کمیسیون کسانیکه حصه شش خود را موافق شرایط مقررده به تقویم نرسانند اند از چهار ماه الی یکسال حبس میشوند مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند.

**حاج شیخ اسدالله** - این جا فقط مشخص میکند مجازاتش را به حبس در صورتیکه بواسطه این کار خودش بيك ضرری وارد آورده باشد اینجا بواسطه آن تقصیرش باید جبران آن ضرریکه وارد آورده است بکنند و آنکار کردن در این تقصیر بهمین حبس تنها بنده کافی نمی دانم.

**آقا سید حسن مدرس** - عرض میکنم که بیش بيك ماده بود که تکفل این مسئله بود که خسارات وارده در تمام این مواد را باید بدهد این مجازات ها بجهت مرضیت بعضی خسارات است چون باید بر ترتیب قانونی عمل کرده باشد و بان ترتیب عمل کرده است در مرض اینستکه بعضی حقوق اجمالاً تقریب شده باشد و الا خسارات معموله را از يك تومان الی صد هزار تومان بقیاناید بدهد در این مسئله محل حرف نیست

**عین الرعایا** - بنده این ماده را بکلی زائد میدانم بواسطه اینکه کسیکه حصه جنسی او معلوم شده باشد هیچ نمی تواند داخل شرکاء بشود اینستکه بنده این مسئله را زائد میدانم.

**آقای میرزا احمد** - بنده جمله (مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند) را زائد میدانم برای اینکه راجع بحقوق عموم است نه حقوق شخصی شرکاء که بتوانند عفو نمایند البته باید مجازات به بینند.

**رئیس** - اینهم مثل ماده ۸۷ می ماند هر اصلاحی که در آن ماده شد در این ماده هم میشود ماده - نود و یکم خوانده میشود.

ماده ۹۱ مدیرانی که قبل از ایفای شرایط تشکیل شرکاء شروع بمعاملات کرده باشند و هر يك از آنها صد الی دهمزار تومان جریمه می شوند (کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود).

ماده ۹۱ - مدیرانی که قبل از ایفای شرایط شرکاء شروع بمعاملات کرده باشند هر يك از چهار روز الی چهار ماه حبس میشوند مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند.

**رئیس** - مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده ۹۲ قرائت میشود.

ماده ۹۲ از طرح - مدیران یا مؤسسینی که در اظهارات مقررده ماده ۴۸ تقلبی کرده باشند از يك سال الی پنج سال حبس و از دوهزار تومان الی بیست هزار تومان جریمه میشوند.

(کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود) ماده ۹۲ مدیران یا مؤسسینی که در اظهارات مقررده ماده ۴۸ تقلبی کرده باشند از چهار ماه الی یکسال حبس خواهند شد مگر اینکه شرکاء را رضی نمایند.



شرکت را مختل کرد و آن وقت آمده اند او را از برای مجازات حبس کردند شرکاء یابند بگویند مازای هستیم باین تقلب او را عفو نکنند این چه معنی دارد اگر مجازات لازم دارد و باید مجازات شود

**آقای سید حسن مدرس** - يك طلائی من دادم بزرگاری که انگشتری برای من بسازد بگفتند تقلب کرده میروم عارض می شوم حبسش میکنند بعد که من راضی شدم او را بیرون میآورند بیرونش نیآورند این خیلی غریب است تقلبی کرده بنده هم رفتم بدلیه عارض شدم او را گرفتند حبس کردند بعد که من راضی شد او را بیرون نیآورند برای چه

**مقتصر السلطان** - بنده این را از دونظر مغالبت می بینم زیرا که اگر خیانتی کرده است باید حبس شود و اگر هم بفرمایش آقای مدرس يك طلائی باو دادم يك خیانت کلی در او نموده و میلی در آن تقلب کرده است اوقفت حبس شود و مال این شرکاء را بردارد و برود این را در واقع ما اجازه میدهم که هر کدامی که تشکیل میشود مدیرانش که حال شان معلوم است و در شرکت های دیگر دیده ایم سال مردم را بردارند و ببرند و یکدستی حبس بشوند و اگر شرکاء هم بعضی شان مرتکب بشوند از چهار ماه الی یکسال حبس بشوند و این بس مهم است که در اساس یک شکر کتی این قسم تقلب واقع شود و یکی هم مجازات دو قسم است یکی اینکه راجع به موم است که یک کسی قتل کرده است و رتبه معقول از سر تصفیر او میگردد ولی از طرف حاکم عرف هم باید در حق او مجازاتی بشود که دیگر بعد از این این شخص مرتکب اینکار نشود

**آقای سید حسن مدرس** - آن وقتیکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند عرض کردم حلاله عرض میکنم و آقایان گویا درست توجه نفرمایند خسارت هر قدر باشد بهتر که وارد آمده است باید البته بدهد این مجازاتها دخلی بخسارت ندارد این بواسطه تخلف از ترتیب عملی است خسارت بر جای خودش است از صد هزار تومان الی یکشاهی باید بدهد این خسارتی که اینجا معین شده است بجهت ترتیب عملی است که ترتیب عملی چون شاید اسباب این بشود که منافع درست نباید نشود یا بعضی خسارات وارد بشود از این جهت این مجازات را معین کرده اند و ماده اولی هم که ذکر شد در آنجا داشت که کلیه خسارات را هر کس وارد آورده است باید بدهد این مجازاتها ربطی به الم خسارت ندارد

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - اینکه ذکر میشود يك چیزی بر اساس است یکی از مقررات ماده ۴۸ این بود که با مضای دولت برساند حالاره است کافند معنی ساخته است که بر دم عدلیه امضاء کرده است این تصفیر و خلاف نیست که باید شرکاء بیرون او را بیخشند از حبس بیرون بیآورند این شرکاء ربطی دارد یا فلان تقلب را کرده است حالا میخواهند او را مجازات بکنند شرکاء او را بیخشند این چه ربطی با آنها دارد این خا خانی است که بقانون کرده است اینکه دین نیست که او را نگاه داشته اند برای اینکه مدیون من است و من بگویم راضی شدم او را از حبس بیرون بیآورند يك حبس در حقوق است تنها آن این است السلام کسب که حق کسی را ادا نکند تسکن

هم داشته باشد مفلس نباشد او را حبس میکنند تا ادای حق او را بکنند مگر اینکه صاحب طلب راضی شود بگوید راضی شدم که حق من بناخیز بیفته او را رها کنند ولی این قانونی است مستحکم و راجع باساس تجارت ملکیتی است تخلف از این يك صدمه بزرگ است بملکت باید ترتیب يك کمیانی اساس تجارت است او را مستحکم بکنند اگر تقلب در آن اساس کرده شرکاء او را عفو کنند معفود شود بکنند مجبوس شود این معنی ندارد

**آقا سید حسن مدرس** - در این نظراتی که آقایان میفرمایند بکافند سازی از این استنباط میشود که اصل مسئله راجای دیگر انداخته اند مسئله کافند سازی و آدم کشتن دخلی باینستا ندارد آن حقوق جزائی است این حقوق مالی است حقوق جزائی هم قوانین موضوعه یا ارلمان باید حافظش باشد هم قوانین دینی ما حافظش هست کسی کافندی ساخت اعم از اینکه صاحبش رها بکند یا نکند بقیه ما کافند ساز میفند است و باید او را بدارد و اما حقوق مالی چه متعلق يك نفر باشد چه بصد هزار نفر اینجا را جعل میکنند بجهت حفظ حقوق مردم ما هم باسایه مدعی حرف میزنیم هم باسایه دولتی حرف میزنیم در دنیا اگر حق کسی را من صدمه زدیم که متعلق بصد هزار نفر بود اگر آن صد هزار نفر آمدند راضی شدند دولت حق ندارد مواخذه کند که تو حق آنها را بردی و آنها هم از تو راضی شدند یک نفر باشد یا هزار نفر اینست که در خبر دارد کان علی بحسب فی الدین متن خبر است که علی علیه السلام در دین حبس میکردند دخلی بجمعیت اسناد ندارد دخلی بآدم کشتن ندارد اما اینکه میفرمائید دولت اجازه باید بدهد جهت آن دولت در این قانون شرکت بجهت اینست که منضبط باشد و اعتبار داده باشد دین یعنی مالیکه از مردم طلب دارند چه از يك نفر چه از صد نفر چه از هزار نفر او را حبس میکنند هر وقت هم صاحب دین رضایت پیدا کرد او را بیرونش میکنند بواسطه اینکه شاید تضییع حقوق کسی شده باشد او را حبس کنند و اگر هم حبس شد فرضاً باید تا قیامت او را حبس کنند بجهت اینکه منضبط باشد و اعتبار داده باشد که اگر منضبط نشود و اعتبار نداشته باشد شاید تضییع حقوق بعضی شود بواسطه این حبسش میکنند حقوق مالی دایر مدار رضایت صاحب مال است و حقوق جزائی دایر مداری است که صاحب این حبس قانون در نظر دارد بنده در حقوق مالی اگر زیاد بر این آقایان حرف دارند در کمیسیون و سایر جاها حاضر مذاکره کنیم عرض کردم حقوق جزائی دخلی بعقوق مالی ندارد مثلا کسی اگر پدر مرا کشت ولو اینکه من راضی شده باشم دولت باید مواخذه کند بجهت اینکه این داخل حقوق جزائی است دخلی بعقوق مالی ندارد و حقوق مالی چیز دیگری است حالا اگر قانع شدند آقایان که بسیار خوب مقصود مباحثه نیست و اگر قانع نشدند شاید دلایلی داشته باشید که ما قانع بشویم ما مقید رأی خودمان نیستیم هر چه بفرمائید و مصاب باشد قبول میکنیم و در جاهای دیگر مذاکره بکنیم تا در

شود دوم این قانون و سایر قوانین درست مذاکره شده باشد

**رئیس** - این پرونده گشت بکمیسیون و در شور دوم اگر اصلاحی داشته باشد البته اصلاح میشود - ماده ۹۳ در صورت افلاس مقصد در عوض هر پنججاه تومان بشورز حبس مقرر است

(کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود) :

**ماده ۹۳** - در بروز افلاس بتقصیر در عوض هر پنججاه تومان يك روز حبس مقرر است

**آقا محمد پرو چرکی** - بنده با اینکه عقیده ام اینست که هر مسئله و هر خیانتی که در هر اداره و در هر محکمه واقع بشود بواسطه بی مجازاتی است و عقیده ام اینست هر قانونیکه نوشته می شود مجازات او باید با کمال سختی و تضییع در او نوشته شود معذک با این حبس هائیکه در این مواد اخیره نوشته شده است بنده با تمام مخالفم بجهت اینکه حبس دو جنبه در آن ملحوظ است یکی صدمه و زحری که در آن محسب با تشخیص مجبوس وارد میاید و یکی هم جنگ شرف است این حبس حالیه و وضعی که در دست هست زجر که ندارد

**رئیس** - این اظهارات شما راجع باین ماده نیست اگر در حبس مخالفید باید در اول فصل اظهار می داشتید

**آقا محمد** - مقصود اینست که بنده با حبس در این ماده مخالفم

**حاجی سید ابراهیم** - بنده موافق هستم با این ماده و بتقسیمی در این هست که شاید بخواهند تبدیل حبس را برای آن اشخاصی که حاضر میشوند که حبس خودشان را بخرند مفلس را میگوییتم که پول را تبدیل بحسب بکنند در غیر مفلس اگر بخواهد حفظ شرف خودش را بکند بتواند حبس را مبدل بیول بکند

**رئیس** - این را باید قبلا عرض کنم که دو سه روز است آن ترتیبی که سابق داشته ایم فراموش کرده ایم اگر آقایان مطلبی دارند خوب است کتباً بنویسند در اینجا رأی بگیریم مطلب را اظهار میکنند و میبینند و بنده تکلیف خودم را نمیدانم

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا میتوسد که در عوض هر پنججاه تومان کسی که بتقصیر مفلس شده است حبس میشود بنده میخواهم عرض کنم که این يك روز حبس در مقابل هر پنججاه تومان بچه نظر است آیا بنظر اینست که يك خلاف وظیفه و يك خلاف قانونی در این شرکت کرده است یا این که نظر بآن خسارتی است که از کار او بشرکاء وارد میشود اگر این يك روز حبس در مقابل آن خسارت وارده است که این هیچ مناسبتی ندارد و مجاز است پنججاه تومان هم يك روز حبس نیست بلکه آن يك ترتیب عینیه دارد که از روی آن ترتیب آن خسارت را از او بگیرند و جبران را بنمایند و آن باین است که مثلا مشغول کارش بکنند و اضافه از معاش او را از او بگیرند تا از وقتیکه جبران بشود اما اگر نظر باینست که اینجا يك خلاف قانونی نموده و بر خلاف وظیفه خودش رفتار کرده است و میخواهند در قانون شرکتهای يك مجازاتی از برای او معین بکنند که از برای هر پنججاه تومان يك

روز حبس بشود این هم خیلی بی مناسبت است بلکه باید يك میزان کلی از برای کسی که بر خلاف این قانون شرکتهای یا سایر قوانین رفتار کرده است ترتیب داد و يك مجازاتی برای این قسم از اشخاص معین کرد و آنها هم هر پنججاه تومان يك روز حبس نباشد باید يك قانون کلی برای آن وضع کرد و الا این قانونیت پیدا نمیکند کما بگوئیم از برای هر پنججاه تومان يك روز حبس مقرر است بلکه غلط است برای اینکه از يك حیث همان طوری که عرض کردم تضییع حقوق شرکاء میشود آنها هم هر يك روز را مقابل پنججاه تومان از این جهت بنده این ماده را در اینجا بکنی بیفانده و غلط میدانم

**حاج وکیل الرعایا** - گمان بنده این است که مقصود از این افلاس بتقصیر است یعنی در بروز افلاس این شخص بتقصیر کرده است و خود را با افلاس رسانیده است این ماده برای این قسم از اشخاص يك مجازاتی تعیین نمیناید و اگر این جا ایرادی میفرمایند باید در موضوع این شخص بخصوص باشد که این شخصیکه خودش را مفلس کرده است و اسباب اتلاف مال مردم را فراهم آورده است و ببلاره این را زائد نمیدانم و گمان هم نمیکند که زیادی باشد حالا اگر غیر از این است که بفرمایند تا اینکه بنده هم مسیوق بشوم آنچه در این ماده نوشته است که راجع است بکسی که بتقصیر خودش رابه افلاس رسانیده باشد

**مدرس** - این ماده البته راجع به افلاس به بتقصیر است ولی بنده عقیده ام این است که این ماده در اینجا زیادی است برای اینست که فصل مشمی لازم است و باید در ضمن هفت هشت ده ماده انواع و اقسام افلاس نوشته شود حالا آن را هم صلاح میدانند که با این قانون الحاق بشود تا اینکه يك قانون علیحده بشود بسته باختیار مجلس است والا يك ماده در آخر این قانون مجلس و مختصر نوشتن فائده ندارد و مناسبتی هم با ترتیبات افلاس ندارد میل دارند آقایان يك چند ماده مفصلا نوشته شود و ملحق بکنند با این قانون یا اینکه این را بردارند

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است)

آقای لواء الدوله ادلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود - (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که برای هر ده تومان يك روز حبس مقرر شود

**لواء الدوله** - اگر چه بنده عقیده ام این بود که برای معونه بومیه یعنی باندازه مخارج هر روزی اگر بتقصیر بکنند باید حبس بشود برای این که افلاس در مملکت ما زیاد است و مردم برای هیچی مفلس میشوند آن وقت پنججاه را هم اگر ببرد نفعت است برای پنججاه تومان که البته حبس میشود این چیزی است که همه میدانند و این اسباب این میشود که شرکت دو روزه تمام میشود و برای این که بتقصیری بیشتر سخت گیری بشود بنده پیشنهادی کرده ام که برای هر ده تومان يك روز حبس نوشته شود حالا دیگر بسته برای آقایان است

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقای لواء الدوله آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (مدودی قیام کردند)

**رئیس** - قابل توجه نشد ماده الحاقیه هم آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده اند خوانده میشود (ببابت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که این ماده الحاقیه باین قانون ضم شود

ماده الحاقیه - مقصود اینست که در مواد فصل هفتم مجازات حبس برای آنها مقرر شده است می توانند حبس خود را از قرار روزی پنججاه تومان بخرند

**حاج سید ابراهیم** - چون غرض از مجازات جلوگیری از بعضی تقلبات است و اشخاصی که تشکیل شرکت میدهند اغلب اشخاص محترم معتمری خواهند بود و برای اینکه مجازات تنقیی ترتیب صحیحی نداشت و شاید موافق احکام شرع نبود از اینجست در کمیسیون مبدل بحسب کردند و برای خیلی از اشخاص منور شاید حبس سزاوار نباشد و ما باید يك چیزی را بتوسیم که هم جلوگیری از بعضی تقلبات بنماید و هم شرف اشخاص تا اندازه بصد نرود از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که اشخاصی که محترم و متمکن هستند و میخواهند حبس خودشان را بخرند میتوانند حالا در خصوص روزی پنججاه تومان و کم و زیاد بودنش اصراری ندارم ولی در خصوص خریدن پیشنهاد میکنم که يك همچو اجازه در این قانون برای این قسم از اشخاص محترم داده بشود

**افتخار او اعظمین** - بنده تقاضا میکنم که این ماده برگردد بکمیسیون و در اینجا اگر آقایان نظریاتی دارند تشریف بیآورند اظهار بکنند تا این که در شور دوم راپورت داده شود

**رئیس** - چون مخیر تقاضا میکنند این ماده رجوع میشود بکمیسیون شور اول این قانون ختم میشود چهار فقره راپورت بکمیسیون تفسیر است فقره اولش راجع است بماده (۸۵) نظامنامه داخلی شور اولش بعمل آمده است حالا باید رأی بگیریم در این که داخل شور دوم بشویم یا نه آقایانیکه تصویب میکنند داخل شور دوم این راپورت بشویم قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

گفته شد آقایان ملتفت نبودند و بانجهت رأی ندادند

**رئیس** - قبل از وقت که بنده عرض کردم که فقره اول راجع است بماده (۸۵) نظامنامه داخلی و شور اول آن بعمل آمده است و حالا رأی میگیریم برای اینکه داخل در شور دوم بشویم بند رأی که گرفتیم تصویب نشد

**آقا میرزا مهر قاضی قلیخان** - با همین توضیح حالا رأی بگیریم

**رئیس** - دیگر بتصویب رأی گرفت راپورت دوم راجع است بماده هفتم تمام قانون وضایف - آقایانیکه تصویب میکنند داخل شور دوم آن بشویم قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد - راپورت سیم راجع است بتفسیر اصل (۲۲) قانون اساسی - آقایانیکه تصویب میکنند داخل شور دوم آن بشویم قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

رایورت چهارم راجع است به مواد (۶۰) تا (۶۴) نظامنامه داخلی آقایانیکه تصویب میکنند داخل شور دوم آن بشویم قیام نمایند (عده قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب نشد - پس حالا چون دیگر مطلبی نداریم اگر آقایان موافقت مجلس را ختم میکنند

**آقا میرزا احمد** - اینکه آقایان رأی ندادند که داخل در شور دوم این راپورتها بشوند برای این بود که وضع مملکت امروزه يك قسمی است که باید فکر دیگری کرد و اینها زیادی است خوبست آقایانیکه مشرف شدند خدمت والا حضرت اگر راپورتی دارند بدهند که تکلیفی برای اوضاع حاضره معین بشود

**رئیس** - بله آقایانیکه معین شده بودند خدمت والا حضرت مشرف شده اند ولی اقداماتشان بعضی نواقصی دارد که تا چهار بار شرف مانده باید بانجام برسانند و بعد اقدامات خودشان را بر عرض مجلس آقایان خواهند رسانید و عجلتاً هم بنده به بعضی از آقایان اطلاع داده ام که یکساعت و نیم قبل از ظهر در هیئت رئیسه حاضر بشوند که بر حسب دستخطی که از طرف والا حضرت اقدس رسیده است بنده باید با ایشان بعضی مذاکرات بکنم حالا اگر مخالفی نیست مجلس را ختم بکنیم (گفتند صحیح است)

(در این موقع که دو ساعت قبل از ظهر بود رئیس حرکت نمود مجلس ختم شد)

**جلسه ۲۷۳**

**صورت مشروح فوق العاده جلسه**

**روز یکشنبه ۱۹ رجب ۱۳۲۶**

رئیس (آقای مؤمن الملك) پنج ساعت و اربع ربع بعد از ظهر بمقام ریاست جلوس نموده و پس از ده دقیقه مجلس رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز شنبه ۱۸ را آقای آقامیرزا رضاخان قرائت نمود

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست؟ (اظهاری نشد) - ملاحظاتی نیست (صورت مجلس تصویب شد) چون در این چند روزه بعضی انتشارات به هیئت وزراء داده شده است و سوء تفاهمی حاصل شده بود آقای سید ابراهیم اعظم رئیس الوزراء مخصوصاً برای رفه این سوء تفاهمات از بنده خواهش کردند که يك مجلس علنی امروز تشکیل بشود تا اینکه مردم هم بدانند این انتشارات تمام بیجا روی مأخذ بوده است آقای سید ابراهیم اعظم مثل سابق رئیس الوزراء هستند و اگر تغییرات و تبدیلاتی راجع بسایر وزراء باید بشود در موقع خودش تعیین و بمجلس معرفی خواهند شد و این موقع را منتهم میدانم در اینکه علناً عرض بکنم که در روز از طرف تمام احزاب سیاسی به بنده اطمینان داده شد که با کابینه آقای سید ابراهیم اعظم در اموری که راجع با امنیت مملکت و اساس عمومی است همه نوع همراهی بنمایند (عموماً گفتند صحیح است) و در این موقع با این ترتیباتی که پیش آمده است بنده گمان میکنم که برای هیچ کس جای تشویش نباشد (عموماً تصدیق کردند)

روز حبس بشود این هم خیلی بی مناسبت است بلکه باید يك میزان کلی از برای کسی که بر خلاف این قانون شرکتهای یا سایر قوانین رفتار کرده است ترتیب داد و يك مجازاتی برای این قسم از اشخاص معین کرد و آنها هم هر پنججاه تومان يك روز حبس نباشد باید يك قانون کلی برای آن وضع کرد و الا این قانونیت پیدا نمیکند کما بگوئیم از برای هر پنججاه تومان يك روز حبس مقرر است بلکه غلط است برای اینکه از يك حیث همان طوری که عرض کردم تضییع حقوق شرکاء میشود آنها هم هر يك روز را مقابل پنججاه تومان از این جهت بنده این ماده را در اینجا بکنی بیفانده و غلط میدانم

**حاج وکیل الرعایا** - گمان بنده این است که مقصود از این افلاس بتقصیر است یعنی در بروز افلاس این شخص بتقصیر کرده است و خود را با افلاس رسانیده است این ماده برای این قسم از اشخاص يك مجازاتی تعیین نمیناید و اگر این جا ایرادی میفرمایند باید در موضوع این شخص بخصوص باشد که این شخصیکه خودش را مفلس کرده است و اسباب اتلاف مال مردم را فراهم آورده است و ببلاره این را زائد نمیدانم و گمان هم نمیکند که زیادی باشد حالا اگر غیر از این است که بفرمایند تا اینکه بنده هم مسیوق بشوم آنچه در این ماده نوشته است که راجع است بکسی که بتقصیر خودش رابه افلاس رسانیده باشد

**مدرس** - این ماده البته راجع به افلاس به بتقصیر است ولی بنده عقیده ام این است که این ماده در اینجا زیادی است برای اینست که فصل مشمی لازم است و باید در ضمن هفت هشت ده ماده انواع و اقسام افلاس نوشته شود حالا آن را هم صلاح میدانند که با این قانون الحاق بشود تا اینکه يك قانون علیحده بشود بسته باختیار مجلس است والا يك ماده در آخر این قانون مجلس و مختصر نوشتن فائده ندارد و مناسبتی هم با ترتیبات افلاس ندارد میل دارند آقایان يك چند ماده مفصلا نوشته شود و ملحق بکنند با این قانون یا اینکه این را بردارند

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است)

آقای لواء الدوله ادلاحی پیشنهاد کرده اند خوانده میشود - (ببابت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که برای هر ده تومان يك روز حبس مقرر شود

**لواء الدوله** - اگر چه بنده عقیده ام این بود که برای معونه بومیه یعنی باندازه مخارج هر روزی اگر بتقصیر بکنند باید حبس بشود برای این که افلاس در مملکت ما زیاد است و مردم برای هیچی مفلس میشوند آن وقت پنججاه را هم اگر ببرد نفعت است برای پنججاه تومان که البته حبس میشود این چیزی است که همه میدانند و این اسباب این میشود که شرکت دو روزه تمام میشود و برای این که بتقصیری بیشتر سخت گیری بشود بنده پیشنهادی کرده ام که برای هر ده تومان يك روز حبس نوشته شود حالا دیگر بسته برای آقایان است

**رئیس** - رأی میگیریم باین اصلاح آقای لواء الدوله آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (مدودی قیام کردند)



**رئیس الوزراء** - امروز که بنده نهادهای کابینه آمدند محض اطاعت فرمایش آقای رئیس و نمایندگان محترم تقاعد اینمست هم بواسطه کسالت مزاجی بوده است که نتوانستم بکارها و امورات رسیدگی بکنم والیته باید در خاطر نمایندگان محترم باشد که بنده برای خدمت بملکت و ملت تا بحال بهیچوجه قصوری نکردم و باجان و مال همهطور حاضر بودم و هستم حالا اگر کسالت مزاج یکتدری مانع از بعضی اقدامات بشود این دیگر راجع به تصدیقات شخصی نیست و از واردات آسمانی است والا بنده در حال خدمت گذاری ملکت و ملت هیچوقت قصوری نکرده‌ام و همیشه حاضر بودم و خواهم بود امیدوارم انشاءالله تعالی نمایندگان محترم هم برای انتظام و امنیت ملکت و آسایش اهالی همینطوری که وعده فرموده اند باین کابینه که حاضر است و روز سه شنبه معرفی خواهد شد در پیشرفت امور همه قسم همراهی را بنمایند تا اینکه برخلاف بعضی ترتیباتی که بعضی اشرا از اطراف فراهم آورده اند انشاءالله امنیت و آسایش کلی فراهم بیاید و اسباب آسودگی خاطر نمایندگان محترم باشد و همه قسم قوانین را که لازم است ایجاد و حاضر بکنند و هیئت وزراء هم که تشکیل میشوند در اجرای آن قوانین بهیچوجه خودداری نکنند ما هم در بر تو محبت ایشان (باندازه که از ما بر آید) کوتاهی نکنیم (عموماً تصدیق کردند)

**رئیس** - خاطر مبارک آقایان هست آنروزی که آقای سردار اسعد مرخصی خواستند برای ۳ ماه مرخصی خواستند و علت اینکه مجلس شورای ملی همیشه طالب سلامت و جوم محترم است لهذا رأی دادند و مرخصی سه ماهه ایشانرا تصویب نمودند ولی بنده همچو حس میکنم که آقایان نمایندگان با کمال تأسف از مفارقت ایشان موقع را مفقودی می بینند که آقای سردار اسعد که حالا موعده مرخصیشان منقضی شده است تشریف بیارند و مارا بیدار خودشان مسرور و مشغول نمایند اینست که بنده تلگرافی از طرف مجلس نوشته ام اگر آقایان تصویب میکنند بعد از اینکه قرائت شد مخایره میشود .

( تلگراف مزبور بعبارت ذیل قرائت شد )  
 آقای سردار اسعد چنانچه خاطر عالی مستحضر است همانوقت که مجلس مرخصی جنابعالی را تصویب نمود با کمال تأسف و فقط بلاحفظه این بود که بمعالجه چشم بپردازند و الا بمفارقت شخص محترم عالی هرگز راضی نمیشد اکنون که مدت مرخصی منقضی و امیدواریم بهجودی کامل حاصل شده باشد مجلس با اتفاق بینه مأموریت داده است از جنابعالی تقاضا نمایم عاجلاً مراجعت فرموده و تمام نمایندگان را بیدار خودتان مسرور فرمائید .

**رئیس** - آقایانی که تصویب میکنند این تکرار مخایره شود قیام نمایند ( عموم نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - با اتفاق تصویب شد چون امروز چیزی نداریم در دستور بگذاریم اگر مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنیم و جلسه آینه روز ۳ شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور جلسه آینه هم از قرار

است که عرض میشود چهارقره راپورت کمیسیون تفسیر نباید از حقوق متوفی چیزی بآنها داده شود ولی قانون وظایف صریحاً این نکته را تصریح نمی نماید که قیمت حقوق جنس هم باید جزء حقوق نقدی محسوب شود و وزارت مالیه ماده هفتم متمم قانون وظایف را چنین تفسیر میکند که باید قیمت حقوق جنس هم بانضمام حقوق نقدی و رتبه محسوب شود ولی چون این مسئله مصرح نیست تفسیر خود را در ضمن ماده واحده الحاقیه پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید ماده واحده - قیمت حقوق جنسی و رتبه مطابق ترتیب مذکوره در ماده هفتم متمم قانون وظایف تفسیر شده و به میزان حقوق نقدی و روات اضافه میشود در صورتیکه حقوق و روات ذکور نقداً جنساً مبلغ (۶۴۱) تومان و روات اناث (۳۲۰) تومان باشد از حقوق متوفی چیزی بآنها داده نمیشود .

کمیسیون تفسیر نظر وزارت مالیه را صحیح دانست و ماده پیشنهادی را باین نحو تکمیل مینماید ماده واحده - مقصود از حقوق شخصی و روات کدر ماده هفتم متمم قانون وظایف ذکر شده اعم از حقوق نقدی تنها یا حقوق جنسی تنها با حقوق نقدی و جنسی بضمیمه یکدیگر است و ترتیب تقویم حقوق جنس بنحوی است که در ماده هفتم متمم قانون وظایف مقررات .

**رئیس** - آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور دوم این راپورت بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - حالا با این ماده واحده که از کمیسیون تفسیر پیشنهاد شده است مخالفی هست؟ ( اظهاری نشد ) پس ماده واحده که تازه خوانده میشود راپورت بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - مجدداً ماده واحده راپورت کمیسیون قرائت شد .

**رئیس** - آقایانیکه این ماده واحده را تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند . )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد راپورت دیگر کمیسیون تفسیر راجع بنسیر اصل (۲۲) قانون اساسی است آقایانی که تصویب میکنند داخل در شور دوم آن بشویم قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - راپورت خوانده میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد )

وزارت مالیه از مجلس شورای ملی تقاضا کرده بوده که اصل (۲۲) قانون اساسی را تفسیر کنند که آیا اجاره استاجاره را هم شامل است یا نه کمیسیون تفسیر در این باب در جلسات متعدده مذاکرات بعمل آورده بالاخره تصمیم نموده که چون کلیه عایدات و مخارج دولت باید باصلاح و تصویب مجلس شورای ملی برسد اصل مذکور شامل تمام اجاره املاک و مستغلات نیز میباشد اعم از جزئی و کلی هرگاه بنظر آید که این تکلیف بواسطه کثرت موارد و خصوصاً درباره املاک و مستغلات جزئیه موجب اشکال و تعویق جریان امور و تصویب اوقات مجلس میگردد باید بخاطر آورد که این اشکال اختصاص با اجازه ندارد و در نقل و انتقال عین اموال جزئیه نیز پیش میآید و رفع آن هم ممکن است چه تصویب مجلس شورای ملی مستلزم این نیست که در هر مورد خاصی لایحه مبلجه از مجلس بگذارند بلکه چون دولت باید هر سال

کلیه عایدات و مخارج خود را با تغییراتی که در مالیه پیدا شده بود در ضمن قانون بودجه و قانون تفریح بودجه بمجلس شورای ملی پیشنهاد کنند و تصویب برساند آن موارد جزئیه سابق الذکر را هم در ضمن قوانین مزبوره بتصویب مجلس خواهد رسانید چنانکه هم اصل قانون اساسی محفوظ و هم اشکال مرتفع خواهد بود الا اینکه برای بعضی موارد مخصوصی که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید محل توجه خاصی کرد و لازم این است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد مهتدا کمیسیون تفسیر ماده تفسیریه ذیل را در اصل (۲۲) قانون اساسی پیشنهاد مجلس مینماید .

ماده واحده - مراد از این عبارت اصل (۲۲) قانون اساسی که میگوید ( مواردی که قسمتی از عایدات یا اداراتی دولت و ملکت منتقل و فروخته میشود ) جمیع وجوه نقل و انتقال اعیان و منافع دولت و ملکت است اعم از بیع و شری اجاره و غیره . . .

**مهر ز الملک** - ابتداء بیاید فراموش کرد که تفسیری که در مجلس میشود غیر از آن تفسیری است که حتماً باید نگاه بمنای تحت اللفظی عبارات کرد و برای همین است که در سایر جاها محکمه تیز که حق تفسیر دارد و چهل سال بچهل سال آن تفسیرات را عوض میکنند پس کسی که تفسیر میکند و حق تفسیر دارد علاوه بر معانی تحت اللفظی آن قانون باید خصوصیات دیگر و مقصود مقنن را هم در نظر داشته باشد و در اینجا اگر ما رجوع کنیم بقانون اساسی مبینیم که قانون اساسی میگوید ( مواردی که قسمتی از عایدات یا اداراتی دولت و ملکت منتقل یا فروخته میشود ) اولاً اگر ما رجوع کنیم با آن اصلی که این قانون اساسی از روی آن نوشته شده است معلوم میشود که مقصودش چیست و مقصود از انتقال اجاره نیست و بر فرض این هم که آن اصل نیبید باز نیست این مقصود را از این اصل ضمیمه چون یکی از دلایل بزرگی که در اینجا آورده اند از میان نرفتن نظارت مجلس شورای ملی است در امور مالیه و بنده تصور میکنم که خود این دلیل صحیح نباشد بجهت اینکه قطع نظر از اینکه اجاره حق مجلس باشد یا نباشد علی ایحال نظارت مجلس بهیچوجه از بین نبرود و چنانکه در این راپورت نوشته اند در ضمن قانون بودجه پیش بینی میشود آن هم هیچ مربوط با اجازه نیست بجهت اینکه فرض برمائید شما يك ملكی اینجا دارید قطع نظر از اینکه حق اجاره دادن آن با مجلس باشد یا نباشد عایدی آن ملك همه را هر چه میشود پیش بینی میشود پس نظارتی که حق مجلس است در حال ازمیان نمی رود و هیچ مربوط بحق اجاره دادن مجلس یا عدم حق او نیست و این دلیلی را که کمیسیون آورده است بقیده بنده دلیل صحیحی نیست حال بنده شخصاً نیخوام داخل معنی علمی انتقال و اجاره بشوم بجهت اینکه در شور اول در اینخصوص مذاکرات طولانی بعمل آمد ولی بنده تصور میکنم که ما باید با اجازه يك نظر ساده بکنیم تا اینکه امر سهل شود بقیده بنده با اجازه باید بنظر اداره کردن نگاه کرد فرض برمائید که يك ملكی دولت دارد و يك عایدی

یعنی از آن حاصل میشود که در آن عایدی همیشه مجلس حق نظارت دارد حالا اگر دولت خودش اسباب اینکار را داشته باشد که خودش مستقیماً این ملك را اداره بکند میکند و عایدی آن را خودش میگیرد ولی اگر اسباب آن را نداشته باشد یا این که مصلحت نه بینند که مستقیماً خودش مباشر اینکار بشود چه بکند لابد بدیگری بعنوان اجاره یا طور های دیگر واگذار میکنند که بتوسط او اداره نماید پس با اجازه میشود يك نظر و طرز اداره کردن نگاه کرد و چنانچه کلیتاً در سایر منابع ثروتی عایدات دولت فقط پیش بینی میشود و دیگر در طرز اداره کردن آن مستقیماً یا غیر مستقیم پیش بینی نمیشود این هم همانطور است قاعده هم باید همین طور باشد برای اینکه وقتی که در ضمن بودجه پیش بینی کردند که فلان محل فلان قدر عایدی دارد دیگر بنده تصور نمیکنم که مجلس شوری باید داخل این شود که این محل که فلان قدر عایدی دارد چه طرز اداره میشود خود دولت باید مختار باشد در اینکه خردش اداره بکند یا بدیگری واگذار نماید که آن شخص یا طور اجاره یا با سامی دیگر آنجا را اداره بکند بله اگر يك اجاره باشد که مال الاجاره آن هم واگذار بشود یعنی بدولت عاید نشود آن وقت در آنجا باید آفت که تصویب مجلس لازم است آن هم نه برای خود اجاره که در واقع یکنوع اداره کردن است بلکه برای این که آن مال الاجاره که يك جزء از عایدات ملکتی است منتقل میشود ولی يك اجاره که عایدی و مال الاجاره آن عاید خود دولت میشود و دیگر انتقالی پیدا نکرده است و همان طرز اداره کردن است و همان چیزها که شاید حقوق میداد بآن کسیکه آن جا را اداره میکرد همان را میدهد یا آنکه این جا را اجاره میکنند این هیچ چیز مهمی نیست که بگوییم باید بتصویب مجلس باشد و مدتی از اوقات آینه مجلس را برای اینکار ضایع کنیم و این جا با این که در این ماده میگوید که اجاره هم از وظایف مجلس است کمیسیون يك دلیلی آورده است که بقیده بنده خود آن دلیل میرساند که کمیسیون تفسیر هم معتقد بوده است باین که اجاره از وظایف مجلس نیست بجهت این که میگوید ( الا این که برای بعضی موارد مخصوص که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید مجلس توجه خاصی گردد لازم است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد ) این دیگر يك چیز غریبی خواهد شد بجهت این که ما اگر از يك نظر که تفسیر میکنیم قانون اساسی را بگوییم که اجاره از وظایف مجلس شورای ملی است یا اینکه این غلط است آن وقت هیچ قانونیکه يك محدودی برای این معین بکنند نمیتوانیم بنویسیم برای اینکه هر چه که بنویسیم مخالف قانون اساسی خواهد بود برای اینکه وقتیکه قانون اساسی گفت اجاره از وظایف مختصه مجلس است دیگر هیچ قانونی را وضع کردن نمیتواند و بیفایده است یا باید گفت که اجاره از وظایف مجلس نیست و آن وقت فوری يك قانونی را گذرانند که برای يك مدت معینی یا يك موقع و مبلغ معینی یا برای يك طرف معینی حق داد بمجلس که مداخله بکند در این قبیل

موارد ولی وقتیکه قانون اساسی این وظایف را مختصاً بمجلس داد و گفت اجاره از وظایف مجلس است دیگر هیچ قانونی نمیشود وضع کرد که بگوید تا ۵ سال مدت فرضاً حق مجلس نیست و از ۵ سال بیلا حق مجلس است همینکه این ماده تفسیر شد که اجاره از وظایف مجلس است آن وقت دیگر مجلس نمیتواند بآن طوریکه در راپورت کمیسیون تفسیر نوشته شده است عمل بکند یعنی دولت نمیتواند يك مقدار از عایدات سالیانه را در ضمن بودجه پیش بینی بکند و بعد بیاورد بمجلس برای اینکه معنی این که اجاره از وظایف مجلس است این میشود که در هر موردی يك لایحه بمجلس پیشنهاد نمایند و در آن لایحه مثل سایر قوانین ۲ شور شود و ماده ساده رأی گرفته شود بعد در کلیات آینه هم رأی گرفته شود والا نمیشود گفت که هم اجاره از وظایف مجلس است و هم با وجود این که از وظایف مجلس است فقط باید در ضمن بودجه از نظر مجلس بگذرد بنده عرض میکنم اعم از این که اجاره از وظایف مجلس باشد یا نباشد تمام بودجه جزئیات آن باید از نظر مجلس بگذرد پس باین دلایلیکه عرض کردم این دلایل کمیسیون تفسیر غلط است برای این که وقتیکه این اصل قانون اساسی تفسیر شد باینکه اجاره از وظایف مجلس است دیگر يك قانونی عیجده وضع کردن غلط است و از طرف دیگر تصور میکنم که اگر آقایان خودشان درست دقت بفرمایند خواهند دانست که شامل کردن کلمه انتقال را با اجازه یعنی منوط کردن اجاره را به تصویب مجلس و این هیچ منفعتی از برای مجلس ندارد جز اینکه اسباب تراکم کار های مجلس شورا خواهد شد علی الخصوص که شما میدانید يك قانونی در همین خصوص بمجلس آمده و يك شور آن هم شده است و تعجب میکنم از اینکه آن آقایانیکه رأی دادند در واقع همان آقایان تصویب کرده اند اجاره از وظایف مجلس شورای ملی نیست برای اینکه اگر این طور نبود میتوانستند اول تفسیر بکنند قانون اساسی را که اجاره از وظایف مجلس شورای ملی نیست و بعد پشت سر او آن قانون را بیاورند و بگذارند پس باین دلایلی که عرض کردم بقیده بنده بکلی بر خلاف این راپورت است و تصور میکنم که زود تر همان قانونی که يك شور آن شده است بمجلس بیاورند بگذرد و هیچ يك همچو تفسیری کرده باشند که بعد هم اسباب زحمت بشود

**حاج شیخ اسدالله** بنده داخل در این مذاکره نمیشوم که اگر هر آینه اجاره از وظایف مجلس باشد آیا اساساً این مطلب صحیحی است یا خیر بجهت اینکه شاید بعضی از اصول قانون اساسی را بنده خودم صحیح ندانم ولی بعد از آنکه در ضمن قانون اساسی آمد و قانونیت پیدا کرد نمی توانم مخالفت بکنم مثل اینکه بنده صریحاً عرض میکنم که بعضی از اصول قانون اساسی را خوب نمیدانم ولی مداخله چون قانون اساسی ملکت ما است ناسیجاریسم از این که به آن متمسک بشویم و همین جهت عرض میکنم این که میفرمایند اگر اجاره و استاجاره راجع بمجلس باشد این اساساً يك معیبهی دارد این غیر از تفسیر این اصل قانون اساسی است پس حالا ما باید فقط نظر

مجلس حق نظارت دارد حالا اگر دولت خودش اسباب اینکار را داشته باشد که خودش مستقیماً این ملك را اداره بکند میکند و عایدی آن را خودش میگیرد ولی اگر اسباب آن را نداشته باشد یا این که مصلحت نه بینند که مستقیماً خودش مباشر اینکار بشود چه بکند لابد بدیگری بعنوان اجاره یا طور های دیگر واگذار میکنند که بتوسط او اداره نماید پس با اجازه میشود يك نظر و طرز اداره کردن نگاه کرد و چنانچه کلیتاً در سایر منابع ثروتی عایدات دولت فقط پیش بینی میشود و دیگر در طرز اداره کردن آن مستقیماً یا غیر مستقیم پیش بینی نمیشود این هم همانطور است قاعده هم باید همین طور باشد برای اینکه وقتی که در ضمن بودجه پیش بینی کردند که فلان محل فلان قدر عایدی دارد دیگر بنده تصور نمیکنم که مجلس شوری باید داخل این شود که این محل که فلان قدر عایدی دارد چه طرز اداره میشود خود دولت باید مختار باشد در اینکه خردش اداره بکند یا بدیگری واگذار نماید که آن شخص یا طور اجاره یا با سامی دیگر آنجا را اداره بکند بله اگر يك اجاره باشد که مال الاجاره آن هم واگذار بشود یعنی بدولت عاید نشود آن وقت در آنجا باید آفت که تصویب مجلس لازم است آن هم نه برای خود اجاره که در واقع یکنوع اداره کردن است بلکه برای این که آن مال الاجاره که يك جزء از عایدات ملکتی است منتقل میشود ولی يك اجاره که عایدی و مال الاجاره آن عاید خود دولت میشود و دیگر انتقالی پیدا نکرده است و همان طرز اداره کردن است و همان چیزها که شاید حقوق میداد بآن کسیکه آن جا را اداره میکرد همان را میدهد یا آنکه این جا را اجاره میکنند این هیچ چیز مهمی نیست که بگوییم باید بتصویب مجلس باشد و مدتی از اوقات آینه مجلس را برای اینکار ضایع کنیم و این جا با این که در این ماده میگوید که اجاره هم از وظایف مجلس است کمیسیون يك دلیلی آورده است که بقیده بنده خود آن دلیل میرساند که کمیسیون تفسیر هم معتقد بوده است باین که اجاره از وظایف مجلس نیست بجهت این که میگوید ( الا این که برای بعضی موارد مخصوص که نظر با اهمیت مبلغ یا مدت یا طرف انتقال باید مجلس توجه خاصی گردد لازم است که قانونی وضع شود که در آن قبیل موارد معاملات دولت بموجب لایحه مخصوص بتصویب مجلس شورای ملی برسد ) این دیگر يك چیز غریبی خواهد شد بجهت این که ما اگر از يك نظر که تفسیر میکنیم قانون اساسی را بگوییم که اجاره از وظایف مجلس شورای ملی است یا اینکه این غلط است آن وقت هیچ قانونیکه يك محدودی برای این معین بکنند نمیتوانیم بنویسیم برای اینکه هر چه که بنویسیم مخالف قانون اساسی خواهد بود برای اینکه وقتیکه قانون اساسی گفت اجاره از وظایف مختصه مجلس است دیگر هیچ قانونی را وضع کردن نمیتواند و بیفایده است یا باید گفت که اجاره از وظایف مجلس نیست و آن وقت فوری يك قانونی را گذرانند که برای يك مدت معینی یا يك موقع و مبلغ معینی یا برای يك طرف معینی حق داد بمجلس که مداخله بکند در این قبیل



بکنیم باین قانون اساسی و زیاده از این مقصودی نداریم داخل مذاکرات دیگر هم نمیشویم برای اینکه اگر بخواهیم داخل مذاکرات دیگر بشویم خیلی از اصول قانون اساسی در تحت مذاکره خواهد آمد حالا ببینیم این اصل از قانون چه بنویسد میثوسد عایدات مملکتی انتقالش از خصایس مجلس است عایدات مملکتی را هم بگفتندی باید فکر بکنیم و ببینیم که چه چیز است عایدات مملکتی اعم از منافع مستغلات و املاک دولتی و مملکتی است و اینها تماماً مندرج در تحت این کلمه عایدات است .

اجاره باغات باشد فرق نمیکند اجاره املاک خالصه باشد فرق نمیکند مالیات مستقیم یا غیر مستقیم هم باشد فرق نمیکند عنوان منافع املاک دولتی چیست بفرمائید بنده هم بفهمم این جزء عایدات است چیز دیگری که نیست وقتی که اینطور شد بدیهی است که اگر بخواهند آنها را انتقال بدهند بهر عنوان که باشد یا بفروشند تصویب آن از خصایس مجلس است و اشکالی ندارد حالا اگر این مطلب اساساً بعضی معایب داشته باشد بنده ربطی ندارد یا اینکه آن اشخاصی که قانون اساسی را نوشته اند چه نظری داشته اند آنرا بنده نمیدانم فقط کمیسیون در اینجا آمده است این اصل را تفسیر کرده است که از این عبارت اینطور فهمیده میشود و تفسیرش هم تفسیر صحیح و مطابق قانون اساسی است و حالا این اصل از قانون اساسی را میخوانم برای اینکه ببینیم از آن چه مفهوم میشود و کلمه ( دارائی ) چون خارج از مقصود و موضوع مذاکره ما است خارج میکنیم میثوسد (مواردیکه قسمتی از عایدات دولت و مملکت منتقل و فروخته میشود .)

وعایدات دولت را هم عرض کرده ام تمام آنها چه فروخته شود چه اجاره داده شود تمام آنها بسته بتصویب مجلس است اجاره هم انتقال است برای اینکه وقتیکه کسی ملک را اجاره کرد دیگر نمی توان از منافع آن در مدت اجاره تصرفی کرد و اینجام معین کرده است که عایدات وقتیکه فروخته میشود یا منتقل میشود تصویب آن از مختصات مجلس است حالا اگر میفرمائید که این اسباب زحمت فوق العاده از برای مجلس خواهد شد آنرا بنده عرضی ندارم و این را هم که میفرمائید وقتیکه این ماده هفتم تفسیر شد که اجاره از وظایف مجلس است اگر ما بخواهیم یک قانونی برای اجاره بنویسیم آن قانون مغالف با این اصل میشود و سلب اختیار مجلس را مینماید این طور نیست بجهت اینکه بعد از آنی که یک همچو قانونی را نوشتند بمجلس آوردند مجلس بواسطه همان اختیاری که دارد هر نوع آن قانون را بگذرانند همان تصویب مجلس است چیزی دیگری که نیست و در قانون اداری هم چیزی نمی توانیم بنویسیم که فوق قانون اساسی باشد اگر فرض کردیم که مایک قانون شرک بنویسیم که بعضی از مواد آن بنویسند به قانون اساسی بنده عرض میکنم که مانع توانیم چه قانونی بنویسیم بجهت اینکه قانون اساسی این اجازه را بنا نمیدهد پس ما نمی توانیم رفع یا باز ظاهر عبارت قانون اساسی بکنیم اگر چه عرض کردم اسباب زحمت هم برای مجلس بشود البته وقتیکه از وظایف مجلس شد باید زحمت انجام آن را هم بر عهده بگیرند مثل اینکه در

تصویب مغارج دچار همین زحمت هستیم که این از وظیفه ما شده است و زور است که یک راهپورت در تومانی از کمیسیون بودجه بمجلس مایید و مدتی وقت معاراضه نمیکند و حالا ما نمیتوانیم بگوئیم که این حق را که قانون اساسی بنا داده است چون اشکال تولید میکند و اسباب زحمت خواهد شد این را کنار میگذاریم مگر وقتی که اصول قانون اساسی را بان ترتیبی که باید تمام اهالی مملکت نظرات خودشان را در آن بکنند و بعضی از اصول آنرا که لازم میدانند تغییر بدهند والا اگر همین حال باشد ظاهر این عبارت این است که اجاره از وظایف و از مختصات مجلس است و باید بتصویب او باشد و هیچ اشکالی هم ندارد بقیه بنده آنچه که از ظاهر عبارت قانون اساسی فهمیده میشود این است که عرض کردم حالا دیگر بسته برای مجلس است .

آقای میرزا مهر تقی قلیخان

میکنم که آقای حاج شیخ اسدالله قدری گوش بدهند عرایش بنده را و در صدد این نباشند که عرایش بنده را رد بکنند توجه بکنند به نسبت اولاً عرض میکنم که این تصریح قانون اساسی را که اینقدر مکرر فرمودند بدینجا اول تا آخر فرمایشاتشان را در میگویند بجهت اینکه اینجا میگوید که مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل و فروخته میشود این عبارت را هر کسی نگاه بکند میدانند که این لفظ و نشر مرتب است که این عایدات و دارائی که منتقل و فروخته میشود مراد اینست که هر یک از این عایدات دارائی که منتقل و فروخته میشود در حالی که دولت را مثل خودشان شخصی فرض کنند مثلا بنده خودم یک شخصی هستم که یک ملک دارم یک عایداتی دارم این را باید وصول بکنم یا خودم بروم سر آن ملک زراعت بکنم و بیل بزنم بزمین یا این که یک بذر بگری بکنم و عایدات آن ملک را با او تصفیف کنم که او عمل بکند و نصف را او بیاید زرع بکند و بنم بدهد هیچ تفاوتی در عایدات من نرسیده است علی ای حال آن عایدات بن نرسیده است اعم از اینکه خود من بیل بزنم یا آن که بذر بگری بکنم یا این که خودم بروم بجای آن کسیکه زرع میکند یا اجاره بدهم به کسیکه برود عوض من رسیدگی بکند و او میگوید من محصول این ملک را بعمل میآورم و سالی بیست من گندم بگو میدهم پس منم مثل دولت عمل کرده ام ظاهر آ لفظ را هم درست ملاحظه فرمائید انتقال عایدات کدام است شرعاً اگر میفرمائید اما ملکی را شخصی میدهد به کسی عمری یا حسی یا توقیف میکند دولت چطور میتواند انتقال بدهد عایدات را مثلا میگوید گمرک فلان جا را تا ده سال دادم که قرض فلان جا را استهلاك کند معنیش چیست معنیش انتقال است یعنی عایدات را دولت انتقال داده است و مسلم است آن را مجلس شورای ملی باید اجاره بدهد اما یک دکانی یا یک زمین را که دولت بخواهد اجاره بدهد یا خودش اداره بکند چه فرقی میکند و الا اگر اجاره را باید مجلس تصویب بکند بنده عرض میکنم که باید اداره کردنش را هم مجلس تصویب بکند همینطور که فلان شخص را دولت باید در سر اداره کردن فلان ده بگذارد همینطور در باب اجاره دادنش

چه فرقی میکند که عایدات آن ده توسط اداره کردن زید باشد یا توسط اداره دادن زید باشد پس اگر جناب عالی میفرمائید حتماً مجلس شورا باید تصویب بکند همه این ها مثل همدیگر است اینست که بنده عرض میکنم که شریعت هم این است که عرض کردم و در پیش هم اینست که عرض کردم این عبارت اگر مقصود معاينه نباشد هیچ محل شعبه و گفتگو نیست که معنی انتقال عایدات همین قسم است که بنده عرض کردم و الا بعینه مثل هم است بنده عرض نمیکنم که مجلس نباید مستحضر بشود از عایدات دولت باید مستحضر بشود هم از فروش هم از اجاره اما نه اینکه مدیر و موجد بیاید اجازه بگیرد همین قدر باید مجلس بفهمد که امروز خالصه جات دولت را بچه قسم اداره کرده اند چقدر امسال عایدات در ضمن بودجه باید بفهمد که چقدر عایدات اجاره شد چه تصویب بکند یا رد بکند در هر صورت بنظر مجلس میرسد ولی هیچ تفاوتی نیست بین اجاره و اداره و بنده بکنی فکر این فرمایشاتی هستم که از اول تا آخر فرمودید و بنده خواهش میکنم از مجلس که آن طرحیکه پیشنهاد شد و اینجا زحمتش کشیده شد شور شد و بینی بین الله بهترین قانونی بود که برای این مطلب نوشته شد و از آن بهتر بنده طرحی ندیده ام در این مواد بجهت اینکه جمع کرده است بین تمام مواردی که یکدفعه شور کردیم و بنا بود دوباره شور بشود همان را بیآورند مطرح بکنند اشکال این ماده را بکنی حل بکنند .

آقای شیخ ابراهیم

اولاً بنده ترتیب تصویب و نظارت مجلس را در مالیه عرض میکنم تا معلوم شود که اجاره کردن یا اداره کردن یا بخشیدن چه فرق دارد اداره کردن و اجاره دادن را نمیگویند با مجلس باشد تصویب باید بمجلس باشد وزیر میگوید من این ملک خالصه را اجاره داده ام یا من اطمینان دارم تصویب میکنم یا اینست که میگویم که من تصویب نمیکم این اداره کردن نیست اجاره دادن هم بست اجاره کردن را کنی گفت با مجلس است تصویب هم بیکه وزیر میکند با مجلس است پس تصویب یا مجلس است اما آن اشکالیکه فرمودند بنده عرض میکنم که آقایانیکه این اشکال را دارند دارائی دولت که فروخته میشود که در قانون اساسی است تا حال کدام یک من گندم را فروختند و بمجلس پیشنهاد کردند کدام شتر را یا اسلحه را فروختند و بنظر مجلس رسید کدام پیشنهاد بمجلس شده است که اجاره داده ام فروختنی را که قطعاً صریحاً میگوید که باید بتصویب مجلس باشد اجاره هم مثل او هست فرق ندارد قسمتی از عایدات مملکت عیناً یا منفصلاً انتقال نیست ؟

پس چه چیز است من میگویم در فلان جا فلان قدر عایدات و منافع غله دارم میگویند امسال چه کرده میگویم با اجازه انتقال داده ام فلان کس یا بخشیدم یا زده کردم اگر بگویم با اجازه منتقل کرده ام فلان کس دروغ گفته ام که آن گندمیکه مایست مال من باشد او را بهزار تومان منتقل کرده ام یا او اجاره داده ام اجاره دادن هم انتقال است و تصویب را کمیسیون تفسیر همچو میگوید مالیات همه ساله باید تصویب بشود و مالیات همه ساله تصویب علیحده میخواهد حتی

مالیات امساله همان مالیات سال گذشته است باز هم باید بتصویب مجلس برسد برای چه تمام مواد بودجه همساله از سر تا یا تصویب جدید میخواهد ؟ آن مالیات مگر لایحه میآید که مالیات فلان ده فلان قدر لایحه میکند میآورد این جا ؟ یا تمام را در ضمن بودجه میآورد و تصویب اجاره را هم بعینه مثل تصویب مالیات بدانند من تصویب میکنم که فلان جا فلان قدر مالیات داشته باشد این لایحه علیحده است یا در ضمن بودجه است و رسم تمام مالک این است نه اینکه بگویند مجلس شورای ملی ایران احتیاطی کرده است و این حق را داده است بمجلس نه اینطور نیست تنها اینجا اینطور نیست در تمام جاهای دنیا این احتیاط را کرده اند در تمام ملل و دول اینطور است حالا کرامات ترتیب نیست انشاء الله درست میشود آنچه که دولت دارائی دارد او ذخیره پول و اسلحه منافع باغات و املاک و مستغلات تمام در دفتر دولت است باید بصورت بدهند مالیاتهای که تمیز داده شده است بقیه مینویسند مالیات فلانجا فلانقدر مالیات فلانجا فلانقدر اجاره هائیکه سابق داده است آنها را هم مینویسد فلان دکان اجاره اش فلانقدر است معادن ترقی کرده است اجاره اش بیشتر شده فلان معدن عایدش فلانقدر است یا امسال پیش بینی شده فلانقدر نقصان دارد یا از اسلحه دولت فروختنی است یا فلان چیز خریدنی است اینها را پیش بینی میکنند بودجه این پیش بینی تصفیه است ممکن است یا نصبت تومان اضافه کنیم بشود تصویب بودجه بیک درجه تخفیف است مالیات مملکت هم همینطور است که می بینند یکجایش سوخت شده است یا پیشنهاد میکنند که فلانجا سوخت شد می بیند حق دارد انجمن های ولایتی برای این است که تقاضای تخفیف بکنند و با وجود اینکه بودجه تصویب شده است باز تخفیف میدهد این است که کلیه عایدات مملکت را یعنی آنچه که مالیه دولت است بهر نحو و بهر قسم از معنیات باشد با اجازه باشد بفروش باشد مالیات گرفته باشد با استخراج معین باشد از عتبات استخراج کردن باشد همه را در ضمن بودجه بمجلس میآورند و مجلس تصویب میکنند و در آخر تفسیر میکنند حالا هر گاه اطلاع پیدا کردیم فلان جا فلان قدر اجاره اش بوده وزیر او را کمتر از ۱۰۰۰ داده او را چه وقت مؤاخذه خواهیم کرد حق بحث داریم یا نداریم حق اعتراض داریم یا نه ؟ حق مذاکره داریم یا نداریم ؟ در تفریح بودجه میآورد یا نه ؟ در تصویب بودجه میآورد یا نه ؟ مثلا اجاره فلان جا سال سابق ۲۵ هزار تومان بوده است حالا ۲۰ هزار تومان داده است بعین وزیر نیست تصویب مجلس را هم میخواهد تمام مالیه دولت بهر نحو نقل و انتقال شود یا بیع و شری شود باید بمجلس بیاید حتی این گفتگ را با آن گفتگ عرض میکنم باید در بودجه بنویسد امسال فلان قدر از حیوانات دولتی سقط شدند باید نوشته شود فلان قدر اسلحه ناسرغوب است باید فروخته شود یا فلان قدر اسلحه تلف شده است فلان قدر باید خریده شود تمام را در ضمن بودجه پیشنهاد میکنند هم چنین اجاره آنها هم در ضمن بودجه پیشنهاد میشود پس کمیسیون تفسیر نظر خوبی داشته است

که گفته است دارائی و عایدات دولت که فروخته میشود باید بتصویب مجلس باشد و لکن بجهت اهمیت بعضی مواقع مثلا مبلغ زیاد است یا طرف خارجی است یا مدت زیاد است آن را وزیر در ضمن بودجه بمجلس پیشنهاد نمیکند بلکه در ضمن لایحه علیحده میآورد و بسوجب آن لایحه تقاضای بکند مگر این که آن اصل قانون اساسی اقتضا ندارد که لایحه مختصه را این جا بیآورند و این جا هیچ تفسیری در قانون اساسی نداده است و همان مضمون قانون اساسی را عمل میکنند لکن در ضمن لایحه بخصوصاً

افتخار الواعظین

حقیقه تا این جا باید ملاحظه کرد که اگر چنانچه اجاره بمجلس باشد چه فایده خواهد داشت .

و اگر بمجلس شورای ملی نباشد چه ضروری تصور است اولاً اصل ۲۲ قانون اساسی را که میفرمائید بنده از اصول دست و دوم قانون اساسی همچو میفهمم که مثلا عایدات املاک خالصه را دولت یا بفروشد یا برگذارد میکند وقتیکه میخواهد بفروشد باید به تصویب مجلس شورای ملی باشد مثل اینکه غله خالصه املاک سیستان را دولت میخواهد بفروشد . بکسی باید بتصویب مجلس شورای ملی باشد یا اگر میخواهد انتقال بدهد بکسی باید بتصویب مجلس باشد و گویا ربطی با اجازه نداشته باشد و بنده عرض میکنم اثری و فایده که اینجا تصور است اینست که شاید یک وقتی وزیر املاک را اجاره بدهد بشکلی که هم از حيث مدت و هم از حيث مال الاجاره و هم از حيث شرایط ضرر ملت و مملکت باشد (مثل بعضی اجاره هائیکه داده شده است باید پیش بینی بشود اینجا ببینیم پیش بینی ممکنست بشود یا نه اولاً آقا شیخ ابراهیم فرمودند که چنانچه فروش از وظائف مجلس بوده است تصویب آن تا بحال چه وقت بمجلس آمده است بنده یادآوری میکنم که آورده شده است یک بستخانه را دولت میخواهد در سمنان بفروشد و یک بستخانه دیگری بجای آن در خارج شهر بسازد وقتی که در آن اطلاق بودیم لایحه از طرف وزارت است آورده شد که آن را میخواهیم بفروشیم باید بتصویب مجلس برسد و اما در باب اجاره بنده نمیدانم که مجلس شورای ملی چه حال پیدا خواهد کرد روزیکه تمام این اجاره جات با شرایط و تمام مواضع بیاید در مجلس مطرح بشود و دو شور بشود از مجلس بگذرد گمان میکنم که مجلس تمام اوقاتش را باید صرف اجاره بکند اینجا فایده که خواهد بود اینست که جلوگیری بکنیم که اگر هیئت دولت یک وقتی خواست یک ملک را اجاره بدهد که صرفه دولت در آن نباشد بمجلس بیاید که صرفه دولت کاملاً منظور شد باشد و مجلس جلوگیری کند و پیش بینی این در در جاشده است یکی در قانون محاسبات عمومی از مجلس شورای ملی گذشته است تمام معاملات باید بعد از این طریق مزایده و مناقصه باشد یعنی دولت آنچه را که میخواهد اجاره بدهد یا بفروشد اعلان میکند بطریق مزایده و معلوم است وقتی ملکی را بخواهند اجاره بدهند و ۱۵ روز قبل در روزنامه اعلان میکنند که هر کسی شرایطش سهلتر و مال الاجاره بیشتر و مدتش کمتر باشد قبول بکند بدیهی است که باو خواهند داد و اگر دولت چیزی میخواهد

بفرد مسلم است آنها هم بناقصه خواهد بود علاوه بر این اگر بخواهم بعضی کار های پارک عتیق بگوئیم که اجاره داخل در این اصل ۲۲ قانون اساسی هست اگر در واقع میخواهد بنظر مجلس شورای ملی باشد بملاوه آنکه در ضمن قانون محاسبات عمومی پیش بینی شده است آن لایحه که بمجلس آمده است و یک شور شده است آنرا از مجلس شورا بگذرانید تمام اقسامش را هم آنجا بیان کرده است و پیش بینی کرده است ضرر هائیکه از برای دولت متصور بشود والا بنده پس از مدافعه و مطالعه زیاد واقعاً هیچ نمیفهمم که اصل ۲۲ قانون اساسی حکم بکند که اجاره دادن فلان ملک که پنجاه هزار اجاره دارد باید تمام شرایطش بمجلس باشد .

ذکاء الملک

این مذاکراتی که میشود هیچ ربطی به موضوع ندارد و چیزهایی نسبت به کمیسیون داده میشود که خودش از آن خبر ندارد آقای زنجانی توضیح دادند هیچ نمیگوئیم که دولت چیزی را که میخواهد اجاره بدهد لایحه اجاره آنرا بیآورد بتصویب مجلس برساند لازم نیست وقتیکه دولت املاک را اجاره میدهد بطوریکه لایحه علیحده بمجلس بیآورد ما اینجا اختلافاتی که داریم در واقع در معنی تصویب است در اینست که تمام تصرفاتیکه در عایدات و دارائی دولت میشود باید بتصویب مجلس برسد حرفی نیست منتهی اینکه تصویبی که اینجا ما میگوئیم مقصود آن تصویبی نیست که در ضمن لایحه علیحده باشد این تصویب بهر حال واقع میشود یعنی تا اکنون هم اگر بودجه بمجلس آمده و از تصویب مجلس گذشته بود این اصل قانون اساسی معمول و مجری شده بود حالا میگوئیم باید همان طور بشود و اینکه گفته میشود که یک لایحه در این باب بمجلس آمده و یک شور شده و حالا شورائی آنرا بکنیم ما هم بکنیم تقاضا را کرده ایم اینکه کمیسیون تفسیر تفسیر اصل ۲۲ قانون اساسی را شامل اجاره می داند از این بابت است که هر وقت دولت بودجه بمجلس فرستاد تمام مسائل اجاره و استجاره را باید بمجلس بنمایند الا اینکه در تصویب یک سرق دیگری هم داریم و آن اینست که لایحه مخصوص بیآورند و از مجلس بگذرانند و اینهم در عموم موارد اجاره لازم نیست در بعضی مواد مخصوص که اهمیت ندارد ممکن است توسط لایحه مخصوص بمجلس بیآورند پس هیچ نزاعی نیست فقط نزاع لفظی است آنچه گفته شد عین مقصود کمیسیون تفسیر است و اینکه ما گفته ایم اجاره و استجاره هم بتصویب مجلس برسد مقصود همان است که آقایان میفرمایند دعوا و نزاعی لازم ندارد .

حاج شیخ الرئیس

بنده چون در شور اول عقیده خود را بر عرض مجلس رسانیدم حالا بیج لازم نمیدانم تکرار کنم ولی فقط برای این که بدانند آقایان که تجدید رای و عقیده ثانوی برای بنده پیدا نشده است عرض میکنم و بیان جمله مختصر قناعت میکنم با کمال تعجب آن روز عرض کردم گویا ( و گویا نیست ) مثل این است که تفسیر کنم یک جمله را که خودم گفته باشم در یک مجسمی و این ماده ابتدا بعنوان اجاره و استجاره آمده نه در وقت جعل این قانون معنی در نظر داشته است نه اینکه



اجاره را شامل است و بنده خیلی تعجب میکنم این را که آقایان باید توجه بفرمایند که اگر معنی انتقال را یک معنی اعمی میخوانند شامل شود و یک توسعه پیدا کنند پس بیج هم داخل انتقال است باید ملتفت همان نکته را که یک نماینده محترمی گفت لف و نشر مرتبی گفت اگر چه خاطر بعضی متشوش شدهایدات و انتقال دارائی و فروش یعنی دولت نمیتواند بدون تصدیق و تصویب مجلس شورایی همانطور هائیکه خود سرانه همیشه میکردند و میخشدند بآن طور ها نمیتواند رفتار نماید مثلا فلان دریای نور یا کوه نور را بنده به بخشد یا فلان اسلحه خانه را بدلوخواه خودش یک کسی بفروشد وقتی هم که میخواهد بفروشد البته بطریق اولی باید بمجلس رجوع بکند و بنده تعجب میکنم که اگر بنا باشد عایدات را یعنی مال الاجاره را جزء عایدات بگیریم و بعد خود اجاره را جزء انتقال این یک انتقالی است که بنده ملتفت نیشوم این چه چیز را انتقال میدهد آخر اجاره میدهد ملک را که اداره بکنند ملک را که باو منتقل نمیکند ملک سرچایش هست بنده تقدیس میکنم نطق آقای معز الملک را که فرمودند این اجاره در حقیقت یک نوع اداره است چه خودش بطریق مستقیم آنرا اداره بکند و به مباشرت مستقیم انتفاع از این برد چه به دیگری بگوید بطریق مزارعه و مساوات و اجاره و استیجاره کنند ابتدا نظر مقنن هیچ متوجه اجاره نبوده است تفسیر رائی در این مسئله کمیسیون نموده است و این ماده هیچ متوجه اجاره نبوده است و اگر بگویند در آنوقت یا بعد از این میتوان اجاره را داخل در این ماده کرد بنده با کمال جدیت حاضریم که تنقید کنم و تردید کنم این تفسیر را حالا اگر میخواهد تفسیری بکنند و یک احتیاطی بکنند که اجاره های جزئی را هم بتصویب مجلس برسانند این یک نظری است ولی این تفسیر باین صورتیکه از کمیسیون تفسیر گذشته است علم الله تعالی تفسیری است که برخلاف نظر جامع قانون و فلسفه قانون است .

**حاجوکیل الرعایا - بنده گمان میکنم که کمیسیون رایش را خیلی . . .**

**رئیس -** آقای حاج شیخ اسدالله توجه نمیکنند **حاجوکیل الرعایا** کمیسیون در رأی خود خیلی دقیق شده و وارد است و مقنن قانون اساسی هم همین مقصود را داشته است که امروز کمیسیون بکفتمری آنرا توضیح داده است برای چه برای آنکه باب اجاره وسیع است و ممکن است که همه اختیارات مجلس را هم بگیرد اگر بعضی از آقایان تصور بفرمایند که بعضی جزئیات هست که ترضیع وقت مجلس را میکنند اولاً جواب داده شده یک اضافه هم بنده بآن جواب خواهم کرد که مجلس شورای ملی میتواند اگر بخواهد یک مستثنائی را که چندان قابل اعتناء نیست از جزء عایدات مملکت موضوع و خارج کند و داخل در عایدات شهری نماید بواسطه مساعدت ببلدی برای اینکه در یک وقتی که یک کمی کمی بلدی میبرد و او را از این راه کرده باشد بآنکه باز او هم در یک مجلس شورا با جاره و انتقال داده شود که از شوروی خارج نباشد و این در نظر مقنن قانون اساسی بوده است که اجاره از مختصات مجلس است و این را مقنن میتواند در جای خودش بکنند که خودش را دچار زحمت

بزرگی نکند و اما اینکه فرمودند ملک که منتقل نمی شود بجای خودش باقی است بنده عرض میکنم که انتقال و اجاره هم مثل راجع زمین نیست و بنده نمیدانم که معادن را هم اجاره میدهند و حال آنکه آن انتقال عین است معادن وقتی خالی شد دیگر چه بمانی میماند مواد قیمتی را خارج کرده است آن وقت محل خالیش را میدهد خدمت شما بنده بجهت و دلایلی خیلی زیاد اینجا می توانم عرض کنم که وقت مجلس اشرف از اینست که بنده ترضیع کنم همینقدر عرض میکنم اگر این باب اجاره را مسدود بکنیم شاید وقتی را که لازم بوده است مجلس در حفظ عایدات مملکت نکرده است و بانمازه باب اجاره وسیع است و امروز هم بحال ما مضرت بنده عرض میکنم که اگر گمرک را اجاره داده اند تکرار افغانه را اجاره دادند چه میکنند اگر بعضی مالیات های شهری شارا را اجاره کردند چه میکنند اینجا همه جزء اجاره است فردا صبح خبر رسید که گمرک شمارا پنجساله اجاره داده اند چه خواهد کرد باید دانست که خیلی باب اجاره وسیع است و بنده نمی توانم بیشتر از این وقت ضایع کنم ولی عرض میکنم که این تفسیر خیلی مبارک است و میتواند کمی عایدات این مملکت بکند که در حد خودش خرج بشود و از تفریط مصون باشد .

**رئیس -** چون مسئله مهمی است و باید مذاکرات زیاد شود عجلانده دقیقه تنفس داده میشود در این موقع تنفس شد و مجدداً بعد از تنفس یک ساعت قبل از ظهر جلسه تشکیل گردید

**رئیس -** تقاضای مزبور بعبارت ذیل قرائت گردید تقاضا میکنیم که تفسیر اصل ۱۲ قانون اساسی مسکوت عنه بماند .

**رئیس -** تقاضائی شده است که این مسئله مسکوت عنه بماند ولی مقصود مقنن بودن اینست ( گفته شد بنی مقصود تمویق است )

**ذکاء الملک -** بیاناتیکه تا کنون شده است معلوم میکنم که هیچکدام از آقایان با مقصود کمیسیون مخالف نبوده منتهی در عبارت مخالف بودند و میفرمودند عبارت آن مقصود را نبرسانند پس بنده تقاضا میکنم که این راپورت را حالا رجوع بکنند بکمیسیون تفسیر که تجدید نظری در آن بکنیم و ثانیاً اگر لازم شد راپورت بندهیم .

**رئیس -** خوب مقصود آقایان هم حاصل میشود پس بر میگردد بکمیسیون . . .

**هشتم وادی -** پس پیشنهادها را هر رجوع کنید بکمیسیون .

**رئیس -** بله همه بر میگردد بکمیسیون راپورت چهارم کمیسیون تفسیر راجع ب مواد ۶۰ یا ۶۴ نظامنامه داخلی قرائت میشود ( راپورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد ) بنابر تقاضای آقای رئیس کمیسیون تفسیر در مواد ۶۰ یا ۶۴ نظامنامه داخلی راجع باصلاحاتی که از طرف نمایندگان در طرحها و لوایح قانونی پیشنهاد میشود دقت نظر نموده اینطور رأی میدهد که رعایت سهولت و سرعت جریان امور واستفاده از نظر نمایندگان چنین اقتضا می کند که قبل از شور دویم لوایح قانونی آنچه

اصلاحات از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود بدون قابل توجه شدن به کمیسیون رجوع شود تا کمیسیون در آنها امان نظری نموده اتخاذ رأی نماید ولی در شور دویم هرگاه اصلاحی پیشنهاد شود ارجاع آن بکمیسیون موقوف بنقضای مخیر یا قابل توجه شدن در مجلس باشد علیهذا رأی کمیسیون تفسیر بر این است که که جمعه اخیر ماده ۶۰ که میگوید (اصلاحاتی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود . در ماده ۶۲ حذف شود .

**رئیس -** مخالفی هست ؟ **حاجوکیل الرعایا -** بنده . **رئیس -** بفرمائید . **حاجوکیل الرعایا -** گمان بنده بر این است و نمیتوانم عقیده خود را هم عرض بکنم که آن پیشنهاد کننده مقصودش این بوده است که این را پیشنهاد کرده است لکن وقت مجلس کمتر صرف میشود و برای همان نظر که او دارد بنده هم ناچارم که این توضیح را بدهم که وقت مجلس کمتر صرف شده باشد برای اینکه اینجا یک اصلاحی پیشنهاد میشود لابد همان ترتیب که در نظامنامه داخلی معین است چنانچه البته آقایان بهتر از بنده میدانند آقای رئیس رأی میگرفت اگر قابل توجه میشد که میرفت بکمیسیون والا رد میشد میرفت عقب کار خودش و مجلس بکار دیگر میرداخت حالا این اصلاح می رود بکمیسیون اگر محل توجه نشد صاحب آن اصلاح چه خواهد کرد یقیناً مطالبه اصلاح و عقیده خودش را خواهد نمود اگر بکنی تقویض بکنند باینکه کمیسیون هر چه میکند دیگر محل حرف نباشد که هر چه را تصویب کرده است و هر چه را حذف کرده و دور انداخته است بنده تصدیق میکنم این پیشنهاد را ولی متأسفانه اینطور نیست بعد از آنی که لوایح بر گشت بمجلس آن صاحب پیشنهاد مطالبه برای خودش را میکند که چه شد آن اصلاحی که من پیشنهاد کردم باز ناچار میشویم که مباحثه بکنیم و همان اوقات اولی یا یک قدری زیادتیر صرف میشود گمان میکنم همان ماده نظامنامه بجای خودش بیشتر این ملاحظاتی را کرده است و وقت مجلس از این ترتیبی که گفته میشود کمتر صرف میشود حالا آقایان خود دانند .

**ذکاء الملک -** وقتیکه بنادشکله پیشنهادها یک می شود قبل از شور ثانی برود بکمیسیون اول این حسن دارد که بسیاری از پیشنهادها اگر رأی گرفته میشود میشود بکمیسیون رجوع میشود و چون شور اول است و بدون این که نمایندگان سابقه داشته باشند رأی گرفته میشود و مطالعه صحیحی نکرده اند بسا میشود که در یک امر با مطالعه پنج دقیقه و ده دقیقه نمیتواند کسی رأی صحیحی بدهد و مجدداً هم هست که در اینجا یک رأی بدهد و بسیا اتفاق می افتد که پیشنهاد های صحیح رد میشود در صورتیکه اگر بکمیسیون برود شاید آرای را صحیح بدانند حالا چون مطالعه نشده است در شور اول این عیب را پیدا میکنند و از آن طرف که تمام پیشنهادها فرستاده شد بکمیسیون این شخص هم خودش پیشنهاد کرده است در شور اول تا شور ثانی در آن باب مطالباتی میکند اگر از نتیجه مطالباتش منتقل شد که این اصلاح لازم نیست معتقد

میشود یا اینکه با کمیسیون مذاکره میکند یا اصلاح کننده اعضا کمیسیون را متقاعد میکند یا اینکه خودش متقاعد میشود و یک شق دیگری بازمیاند و آن این است که هیچکدام متقاعد نشوند آنوقت در شور دوم اصلاح کننده مطالبه اصلاح خودش را میکند و در مجلس رأی گرفته میشود و در آن صورت اگر رد میکند از روی نظر صحیح رد میکنند و اگر قابل توجه بشود از روی دقت قابل توجه شده است بواسطه این پیشنهاد های زیادی که میشود و غالباً هم بدون مطالعه است منتف می شود و اغلب هم رد میشود برای اینکه در آنها باید مکرر مطالعه بشود و بعد رأی گرفته شود چنانکه تجربه مکرر اینجا دیده ایم که چه بسیار اتفاق افتاده است که در شور اول بواسطه پیشنهاد هائی که شده است خیلی از اوقات مجلس صرف و تلف شده است پس این عیب یا عیوب دیگر که عرض کردم رفع میشود .

**رئیس -** دیگر مخالفی نیست . **عز الملک -** بنده میخواستم سئوالی کنم از آقای مخیر که این چند ماده که بکمیسیون رجوع شده است مقصود کمیسیون تفسیر این مواد بوده است یا چیز دیگر البته خواهد فرمود که مقصود تفسیر نبوده است لکن کمیسیون این مقصود را منظور نکرده است بجهت اینکه میبوسد که «رأی کمیسیون تفسیر بر این است ( که جمله اخیر ماده شصتم که میگوید اصلاحاتی که از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود ) و لفظ اول در ماده ۶۱ حذف شود » از این عبارت معلوم میشود که مقصود و نظرشان به تفسیر نبوده است خوبست توضیح بدهند بدانم که مقصود چه بوده است .

**ذکاء الملک -** در شور اول هم این مذاکره شد و عرض کردم که در سه فقره اولی کمیسیون تفسیر راپورتیکه پیشنهاد کرده است بعنوان تفسیرات لکن در این فقره چهارم تغییر نیست چون آقای رئیس این کمیسیون را برای حل این مسئله مناسب میدانستند پس این جهت ارجاع فرمودند باین کمیسیون و کمیسیون تفسیر این راپورت را بعنوان تفسیر نداده است بلکه بعنوان پیشنهادی است که از طرف یک کمیسوی تقدیم شده است .

**رئیس -** باید برای بگیریم ولی عرض کردم اگر بتوانیم آن مقصود را بحدف بگیریم بهتر است علیهذا اینطور رأی میگیریم چون کمیسیون معتقد است که باید حذف شود اینست که آن ماده نظامنامه را با همین جمله که کمیسیون حذف آن را تصویب کرده است میخوانیم و رأی میگیریم آقایانیکه معتقد باقیه این جمله هستند رأی میدهند آن وقت آن ماده بحال خود باقی میماند و آقایانیکه معتقد بحدف آن جمله هستند رأی نخواهند داد حالا رأی میگیریم به ماده شصت بآن جمله ساده را بخوانید ( بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۶۰ - اصلاحاتی که از طرف یک یا چند نفر از نمایندگان پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصل بود چه را که اصلاح راجع به آن است باید تصویب نمایند اصلاحات مزبوره نوشته شده بر رئیس داده میشود

و رئیس آن را بکمیسیون مربوط بآن میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح و تایید و مدافعه نشود مجلس درباره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود .

**رئیس -** جمله که کمیسیون حذف آنرا تصویب میکند این جمله آخر است از (اصلاحاتی که از طرف نماینده پیشنهاد میشود) تا (قابل توجه شود) ملتفت باشند حالا رأی میگیریم آقایانیکه معتقد هستند که باید این جمله آخر در ماده شصت باقی بماند قیام نمایند (دو سه نفر قیام کردند) .

**رئیس -** رد شد پس آن جمله اخیر حذف شد حالا ماده شصت و دویم با لفظ اول که کمیسیون حذف آنرا تصویب کرده است خوانده میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد ) .

ماده ۶۲ - اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور اول و ثانی پیشنهاد میشود در صورتی که مخیر کمیسیون مربوطه بآن تقاضا نماید باید رجوع به کمیسیون شود .

**لسان الحکماء -** بنده يك اصلاحی پیشنهاد کرده بودم اجازه می فرمائید توضیحی عرض کنم . **رئیس -** بفرمائید .

**لسان الحکماء -** اصلاحی که بنده پیشنهاد کردم اینست که اصلاحاتی که در شور اول از طرف نمایندگان پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید بکمیسیون رجوع شود برای اینکه معلوم است ابتداء اصلاحاتی تقدیم میشود و آن اصلاحات در هر حال باید محفوظ باشد برای تشریح و برای اینکه معلوم شود کدام اصلاح تعریف است کدام اصلاح صحیح است و چه اصلاحی عالی است و اگر اصلاحات محفوظ نماند ممکن است در شور ثانی باز صاحب اصلاح همان اصلاحی را که در شور اول پیشنهاد کرده است مجدداً پیشنهاد کنند پس برای اینکه اصلاحات محفوظ باشد و معلوم باشد اصلاح نعیف و عالی و مستقیم و غیر مستقیم خوبست این اصلاحات بدو در مجلس قرائت شود و بدون اینکه رأی گرفته شود بکمیسیون رجوع شود و محفوظ بماند برای شور دوم .

**رئیس -** این اصلاحی است که آقای لسان الحکماء پیشنهاد کرده اند قرائت میشود ( بعبارت ذیل قرائت شد ) در ماده ۶۰ - بجای جمله اخیر ماده ۶۰ باید این طور نوشته شود اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوطه بآن رجوع شود .

**ذکاء الملک -** مقصود همانست که کمیسیون راپورت داده است و این اصلاحیکه پیشنهاد فرموده اند اگر راجع ب ماده شصتم باشد چنانچه قرائت کردند ماده شصتم گذشت و رأی گرفته شد حالا در صورتی که حذف قسمت آخر در ماده شصت شد ما همان عبارتیکه در بالا هست در همان ماده که میگوید ( اصلاحات مزبور نوشته شده است بر رئیس داده میشود و رئیس آنرا بکمیسیون مربوطه بآن میفرستد نتیجه

میشود یا اینکه با کمیسیون مذاکره میکند یا اصلاح کننده اعضا کمیسیون را متقاعد میکند یا اینکه خودش متقاعد میشود و یک شق دیگری بازمیاند و آن این است که هیچکدام متقاعد نشوند آنوقت در شور دوم اصلاح کننده مطالبه اصلاح خودش را میکند و در مجلس رأی گرفته میشود و در آن صورت اگر رد میکند از روی نظر صحیح رد میکنند و اگر قابل توجه بشود از روی دقت قابل توجه شده است بواسطه این پیشنهاد های زیادی که میشود و غالباً هم بدون مطالعه است منتف می شود و اغلب هم رد میشود برای اینکه در آنها باید مکرر مطالعه بشود و بعد رأی گرفته شود چنانکه تجربه مکرر اینجا دیده ایم که چه بسیار اتفاق افتاده است که در شور اول بواسطه پیشنهاد هائی که شده است خیلی از اوقات مجلس صرف و تلف شده است پس این عیب یا عیوب دیگر که عرض کردم رفع میشود .

این میشود که تمام اصلاحات را رئیس میفرستد به کمیسیون اما این ماده ۶۲ چون لفظ اول دارلین منافی میشود با این ترتیب بدلیل این که گفته هر چه پیشنهاد میشود باید برود بکمیسیون مگر این که مخیر تقاضا بکند یا نکند لکن است فقط تقاضای مخیر منحصر میشود بشور دوم همانطوریکه عرض کردم پس نتیجه این میشود که بموجب این حد فیکه در ماده ۶۰ کردیم حذف لفظ اول که حالا در ماده ۶۲ کردیم بکنیم در شور اول هر چه اصلاح پیشنهاد مطلقاً برود کمیسیون و در شور دوم اگر اصلاحی پیشنهاد شد یا اگر همان اصلاحات سابق را پیشنهاد کردند آن وقت یا مخیر تقاضا میکند که برود بکمیسیون یا رأی از مجلس میگیرند و قابل توجه میشود بعد فرستاده بکمیسیون و مقصود آقای لسان الحکماء هم همین است و مقصود ایشان بعمل میآید از این که آن عبارت از ماده ۶۰ حذف شود که حذف کردند و حالا هم این کلمه اول را در این ماده حذف بکنند .

**لسان الحکماء -** آقای ذکاء الملک توجه نفرمودند در ماده ۶۲ بنده مخالف نیستم که آن لفظ اول حذف شود لکن مقصود بنده در ماده شصتم بوده که این اصلاحات محفوظ بماند و مقصود بنده بعمل میآید از این که قبل از این که اصلاحات بکمیسیون رجوع شود در مجلس قرائت شود بعد برود بکمیسیون تا این که معلوم شود هر اصلاحیکه نماینده محترمی پیشنهاد کرده است چه قسم بوده است اصلاح عالی است یا اصلاح تعریف است دیگر آن که در شور ثانی عین آن اصلاح را مطالبه و قرائت نکنند نظر بنده اینست که اصلاحات در شور اول قرائت شود و آن وقت بکمیسیون رجوع بشود چون ممکن است اگر قرائت نشود ضبط نکنند و در شور ثانی آن نماینده مجدداً همان پیشنهاد سابق را پیشنهاد نخواهد بکند و بگوید اصلاح من کود مفقود شده باشد باین جهت لازم است که اصلاحات محفوظ بمانند .

**ذکاء الملک -** بنده تصور میکنم مقصود حضرت والا حاصل است و در ماده شصتم هم کراری دادیم و گذشت .

**رئیس -** جمله اخیر ماده ۶۰ را حذف کردیم ولی نامات ندارد که جمله الحاقیه هم ضمیمه بکنیم .

**ذکاء الملک -** کمیسیون مخالف نیست البته اصلاحات باید در محل قرائت بشود .

**رئیس -** مجدداً اصلاح آقای لسان الحکماء قرائت می شود و رأی میگیریم ( اصلاح مجدداً قرائت شد ) .

**رئیس -** باین اصلاح رأی میگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند ( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس -** با اکثریت چهل و یک رأی تصویب شد حالا باید روی اهم رفته رأی بگیریم تمام ماده قرائت می شود و رأی میگیریم ( بعبارت ذیل قرائت شد )

ماده ۶۰ - اصلاحاتی که از طرف یک یا چند نفر از نمایندگان پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصلی

میشود یا اینکه با کمیسیون مذاکره میکند یا اصلاح کننده اعضا کمیسیون را متقاعد میکند یا اینکه خودش متقاعد میشود و یک شق دیگری بازمیاند و آن این است که هیچکدام متقاعد نشوند آنوقت در شور دوم اصلاح کننده مطالبه اصلاح خودش را میکند و در مجلس رأی گرفته میشود و در آن صورت اگر رد میکند از روی نظر صحیح رد میکنند و اگر قابل توجه بشود از روی دقت قابل توجه شده است بواسطه این پیشنهاد های زیادی که میشود و غالباً هم بدون مطالعه است منتف می شود و اغلب هم رد میشود برای اینکه در آنها باید مکرر مطالعه بشود و بعد رأی گرفته شود چنانکه تجربه مکرر اینجا دیده ایم که چه بسیار اتفاق افتاده است که در شور اول بواسطه پیشنهاد هائی که شده است خیلی از اوقات مجلس صرف و تلف شده است پس این عیب یا عیوب دیگر که عرض کردم رفع میشود .

**رئیس -** بفرمائید . **حاجوکیل الرعایا -** گمان بنده بر این است و نمیتوانم عقیده خود را هم عرض بکنم که آن پیشنهاد کننده مقصودش این بوده است که این را پیشنهاد کرده است لکن وقت مجلس کمتر صرف میشود و برای همان نظر که او دارد بنده هم ناچارم که این توضیح را بدهم که وقت مجلس کمتر صرف شده باشد برای اینکه اینجا یک اصلاحی پیشنهاد میشود لابد همان ترتیبی که در نظامنامه داخلی معین است چنانچه البته آقایان بهتر از بنده میدانند آقای رئیس رأی میگرفت اگر قابل توجه میشد که میرفت بکمیسیون والا رد میشد میرفت عقب کار خودش و مجلس بکار دیگر میرداخت حالا این اصلاح می رود بکمیسیون اگر محل توجه نشد صاحب آن اصلاح چه خواهد کرد یقیناً مطالبه اصلاح و عقیده خودش را خواهد نمود اگر بکنی تقویض بکنند باینکه کمیسیون هر چه میکند دیگر محل حرف نباشد که هر چه را تصویب کرده است و هر چه را حذف کرده و دور انداخته است بنده تصدیق میکنم این پیشنهاد را ولی متأسفانه اینطور نیست بعد از آنی که لوایح بر گشت بمجلس آن صاحب پیشنهاد مطالبه برای خودش را میکند که چه شد آن اصلاحی که من پیشنهاد کردم باز ناچار میشویم که مباحثه بکنیم و همان اوقات اولی یا یک قدری زیادتیر صرف میشود گمان میکنم همان ماده نظامنامه بجای خودش بیشتر این ملاحظاتی را کرده است و وقت مجلس از این ترتیبی که گفته میشود کمتر صرف میشود حالا آقایان خود دانند .

**ذکاء الملک -** وقتیکه بنادشکله پیشنهادها یک می شود قبل از شور ثانی برود بکمیسیون اول این حسن دارد که بسیاری از پیشنهادها اگر رأی گرفته میشود میشود بکمیسیون رجوع میشود و چون شور اول است و بدون این که نمایندگان سابقه داشته باشند رأی گرفته میشود و مطالعه صحیحی نکرده اند بسا میشود که در یک امر با مطالعه پنج دقیقه و ده دقیقه نمیتواند کسی رأی صحیحی بدهد و مجدداً هم هست که در اینجا یک رأی بدهد و بسیا اتفاق می افتد که پیشنهاد های صحیح رد میشود در صورتیکه اگر بکمیسیون برود شاید آرای را صحیح بدانند حالا چون مطالعه نشده است در شور اول این عیب را پیدا میکنند و از آن طرف که تمام پیشنهادها فرستاده شد بکمیسیون این شخص هم خودش پیشنهاد کرده است در شور اول تا شور ثانی در آن باب مطالباتی میکند اگر از نتیجه مطالباتش منتقل شد که این اصلاح لازم نیست معتقد

میشود یا اینکه با کمیسیون مذاکره میکند یا اصلاح کننده اعضا کمیسیون را متقاعد میکند یا اینکه خودش متقاعد میشود و یک شق دیگری بازمیاند و آن این است که هیچکدام متقاعد نشوند آنوقت در شور دوم اصلاح کننده مطالبه اصلاح خودش را میکند و در مجلس رأی گرفته میشود و در آن صورت اگر رد میکند از روی نظر صحیح رد میکنند و اگر قابل توجه بشود از روی دقت قابل توجه شده است بواسطه این پیشنهاد های زیادی که میشود و غالباً هم بدون مطالعه است منتف می شود و اغلب هم رد میشود برای اینکه در آنها باید مکرر مطالعه بشود و بعد رأی گرفته شود چنانکه تجربه مکرر اینجا دیده ایم که چه بسیار اتفاق افتاده است که در شور اول بواسطه پیشنهاد هائی که شده است خیلی از اوقات مجلس صرف و تلف شده است پس این عیب یا عیوب دیگر که عرض کردم رفع میشود .



بوده که اصلاح راجع بان است باید تصریح نماید اصلاحات مزبور نوشته شده برپس داده میشود و رئیس آذربایجان و مربوط بان میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح و تأیید و مدافعه نشود مجلس در باره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود ماده قانون یا فصل بودجه را که اصلاح راجع بدان است باید تصریح نماید اصلاحات مزبور نوشته شود برپس داده میشود و رئیس آنرا بکمیسیون مربوط بان میفرستد اصلاحاتی که پس از توضیح و تشریح تأیید و مدافعه نشود مجلس درباره آن شور نخواهد کرد اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید بکمیسیون مربوط بان رجوع شود .

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده ۶۰ باین ترتیب که خوانده شد آقایانیکه ماده ۶۰ را باین ترتیب تصویب میفرمایند قیام نماید (اغلب قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - در ماده ۶۲ راجع راجع راجع کمیسیون مخالفی نیست (اظهاری نشد) - پس ماده شصت و دوم با حذف لفظ اول قرائت میشود . (باعتبار ذیل قرائت شد)

ماده ۶۲ - اصلاحاتی که در ضمن مباحثات شور تایید پیشنهاد میشود در صورتیکه مخیر کمیسیون مربوط بان تقاضا نماید باید رجوع بکمیسیون شود .

**رئیس** - آقایانیکه این ماده شصت و دوم را بطوریکه کمیسیون تصویب کرده است تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد - راجع کمیسیون بودجه راجع بان بکرامتی قرائت میشود (بباعتبار ذیل قرائت شد)

بتاریخ ۴ رجب ۱۳۲۹ نمره ۳ از کمیسیون بودجه بجناب مقدس لایحه وزارت مالیه راجع بقضای ماهی بیست و پنج تومان در باره آیدید المجاهدین کرامانی قرائت گردیده نظر باستحقاق و صدماتیکه در راه آزادی بابادب المجاهدین رسیده کمیسیون بودجه با اکثریت آراء ماهی پانزده تومان مادام العیبات درباره معنی الیه تصریح مینماید .

ماده - ماهی پانزده تومان مادام العیوة در باره آیدید المجاهدین کرامانی برقرار میشود .

**رئیس** - مخالفی در این رایوروت هست (اظهاری نشد)

**آقا میرزا احمد قزوینی** - یک مرتبه دیگر بخوانند .

(مجیداً قرائت شد)

**رئیس** - رأی میگیریم باین ماده آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را ورقه سفید خواهند انداخت آقایانیکه رد میکنند ورقه کبود خواهند داد در این موقع شروع باخذ اوراق رأی شد و آقای حاج میرزا رضا خان اوراق را باین عده احصاء نمودند ورقه سفید (۳۵) ورقه آبی (۳)

**رئیس** - بلا تکلیف ماند استعفاءنامه آقای نویری است قرائت میشود بعبارت ذیل قرائت شد ۲۶ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۹ (مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی شیدانه ارکانه چون مخلص بجهت موانع شخصیه از حضور مجلس شورای ملی معذورم لهذا با کمال تأست استعفای خودم را از

آن مقام عالی درخواست مینمایم (اسمعیل نویری **رئیس** - آقای متین السلطنه از عضویت کمیسیون نظامنامه انتخابات استعفاء داده اند باید در شعبه دوم که در چهاردهم تعیین شده بود بکنفر بجای ایشان انتخاب شود يك فتره راپورت کمیسیون تجارت است بران آوردن ماشین آلات برای چرم سازی فرستاده میشود که طبع و توزیع نماینده بکنفره دیگر هم راجع باسخدام بکنفره مستشار خارجی است برای وزارت تجارت برای طبع فرستاده میشود از قرار معلوم چندی قبل از طرف وزارت پست و تلگراف و پیشنهادی راجع بقانون اجزاء تلگراف خانه بجناب شده است و بکمیسیون بودجه فرستاده شده ولی تاحال کمیسیون بودجه راپورت نداده اند وزارت پست و تلگراف هم چون دو ماه است از موعد پیشنهادش میگذرد مطابق نظامنامه حق دارد که بخواند جزء دستور گذاشته شود .

**حاج عز الممالک** - کمیسیون بودجه در این خصوص هنوز عقیده نداشته است لکن اگر توضیحی بخوانند عرض میکنم . **رئیس** پس خوبست زودتر راپورت بدهید که بقدر اسباب معطلی نشود آقای حاج شیخ اسدالله در خصوص کمیسیون انتخابات اظهاری داشتید .

**حاج شیخ اسدالله** - بله خواستم عرض کنم يك فتره از نظامنامه انتخابات که خیلی اهمیت داشت در کمیسیون رفع آن اشکال نمیشد و عذر اعضا کمیسیون انتخابات هم در ندان راپورت همان يك مسئله بود بجناب آمد و رفع آن معذور شد باید تا یکماه دیگر مشغول انتخابات دوره نهم بشوند از یک صورتیکه هنوز نظامنامه انتخابات بجناب نیامده است و ندهد بگروز دیگر هم عرض کردم که مترسم این نظامنامه انتخابات برای این دوره تمام نشود و این اثر بدی دارد باینجهت بنده استدعا میکنم که زودتر راپورت بدهند و این را بجناب بیاورند و آن روز میگفتند که يك جلسه بیشتر باقی نیست و حالا شنیده میشود که تازه آقای متین السلطنه استعفاء کرده و باید عوض ایشان انتخاب شود استدعا میکنم که هرچه زودتر این را بجناب بیاورند .

**معزز الملک** - اولاً میخواستم عرض کنم اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند که آقای متین السلطنه استعفاء داده اند استعفاء کردن ایشان مربوط بکار کردن یا کار نکردن کمیسیون نیست کمیسیون انتخابات بمدای آنکه آماده راجع بیک درجه و دو درجه از مجلس گذشت چندین جلسه منعقد شد و فردا يك جلسه دیگر صبح منعقد خواهد شد و تصور میکنم که آخرین جلسه کمیسیون انتخابات باشد و راپورت بجناب میدهیم .

**رئیس** - پس در اینصورت خوبست اعضا شعبه دوم زودتر عوض آقای متین السلطنه را انتخاب نمایند **معزز الملک** - بله اگر امروز انتخاب نمایند که برای جلسه فردا حاضر باشد بهتر است **رئیس** - دستور جلسه آتی - راپورت کمیسیون بودجه راجع باحکام دفتر خانه گمرکی و در جلسه راپورت کمیسیون معارف در باب تأسیس مدرسه ابتدائی - راپورت کمیسیون معارف در باب اصلاحات دوازدهم - راپورت کمیسیون بودجه راجع بقانون و محسن خان مجاهد آقای افتخار الواعظین در باب دستور اظهاری دارید

**افتخار الواعظین** - بله میخواستم عرض کنم که آقا میرزا رضاخان نائبینی که عضو کمیسیون پست و تلگراف و فوائد عامه بود از عضویت کمیسیون بواسطه سمت منشی گری استعفاء داده اند .

**رئیس** - این راجع بدستور نیست . **افتخار الواعظین** - اجازه بفرمائید عرض کنم راجع بدستور است مضمون اینست که انتخاب بکنفره برای کمیسیون فوائد عامه در دستور جلسه آتی گذارده شود .

**رئیس** - انتخاب در مجلس نمیشود تا اینکه در دستور گذاشته شود این اظهار شما راجع بدستور نبود .

**فرزانه** - راپورت کمیسیون بودجه در باب ورثه مرحوم وکیل التجار طبع و توزیع شده است می خواستم تقاضا بکنم که جزء دستور گذاشته شود **رئیس** - ممکن است جزء دستور شنبه بگذاریم در دستور مخالفی هست .

**مشیر حضور** - بنده تقاضا میکنم راپورت کمیسیون خارجه در باب جلب مستخدم برای وزارت پست و تلگراف جزء دستور روز پنجشنبه گذاشته شود .

**رئیس** - هنوز راپورت آن داده نشده است يك مرتبه رأی داده شد در شأنی بکمیسیون رفته است باید راپورت آن بیاید آن وقت جزو دستور گذاشته میشود .

**میرزا یانی** - بنده میخواستم خواهش کنم چون آقای معزز الملک گفتند خود راپورت کمیسیون انتخابات را خواهند داد اگر ممکن است طبع و توزیع شود و برای روز پنجشنبه جزو دستور گذاشته شود .

**رئیس** - تصور میکنم نرسد اگر برسد برای دستور شنبه میگذاریم با این ترتیب کسی مخالف هست (اظهاری نشد) در این موقع که بیست و پنج از ظهر است رئیس حرکت کرد و مجلس ختم شد .

**جلسه ۲۷۵**

**صورت مشروح جلسه فوق العاده روز چهارشنبه ۲۲ شهریور رجب ۱۳۲۹**  
**رئیس** آقای مؤمن الملک بنجماعت و پنجشنبه دقیقه بعد از ظهر بگرمی ریاست جلوس نموده و پنج ساعت پنجاه و پنج دقیقه بعد از ظهر جلسه رسماً منعقد گردید . آقای میرزا ابراهیم خان صورت مجلس روز سهشنبه ۲۱ را قرائت کردند و در ضمن صورت مجلس اسامی غائبین بقرار ذیل قرائت شد - غائبین بدون اجازه آقای حاج امام جمعه . آقای ناصر الاسلام آقای دکتر اسمعیل خان - آقای دکتر امیرخان غائبین با اجازه - آقای حاج آقا - آقای لواء الدوله - آقای دکتر حاج رضا خان - آقای آقامیرزا ابراهیم قمی نیم ساعت از وقت معقرده تأخیر نموده است .

**رئیس الوزراء سپهبد اعظم** - اگر چه معرفی هیئت وزراء از پس که مکرر شده بنده از (ترین) محل نطق خجالت میکشم و لکن وزرای حالیه هر يك برای این شغل خطیر لایق و قابل و با عنم هستند و امیدواریم که انشاء نظر ملیقتی

که دارند این کابینه امتداد باید جناب صمصام السلطنه وزیر جنگ و جناب وثوق الدوله بوزارت داخله و جناب حکیم الملک بوزارت علوم و معارف و فوائد عامه و جناب قوام السلطنه بوزارت عدلیه منصوب و معین شدند چون جناب مشیر الدوله قدری کسالت و نفاقت داشتند این طور قرار گذاشته که بقیه قوانین عدلیه که در دست است در کمیسیون تکمیل بکنند و شغل وزارت پست و تلگراف و تجارت را قبول فرمودند و جناب محتشم السلطنه هم در همان وزارت خارجه باقی هستند جناب معاون الدوله هم بوزارت مالیه منصوب هستند چون قدری کسالت داشتند و حالشان بهم خورده بود باین تشریف دارند و حاضر نشدند .

**رئیس** - در روز دوشنبه با آقای رئیس الوزراء از طرف احزاب سیاسی مجلس اطمینان دادم که تمام احزاب سیاسی در این مورد در هر امریکه راجع باصلاحات اساسی مملکت و کارهای اساسی مملکت باشد با ایشان و کابینه ایشان کمال همراهی را دارند (عموم نمایندگان بکلمه صحیح است تصدیق کردند) امروز هم برای یاد آوری خاطر مبارک سایر وزراء باید این مسئله را تکرار بکنم که دوباره از طرف تمام احزاب سیاسی اطمینان میدهم که همه قسم همراهی که راجع باصلاحات اساسی و امنیت مملکت باشد بکابینه خواهند کرد (صدای صحیح است از عموم نمایندگان بلند شد) اگر ما بین ما ها اختلافاتی بود ما است آن اختلافات فقط راجع بوده است بعضی مسائل جزئی فرعی مملکتی ولی در اساسیات هیچوجه اختلافاتی نبوده است و دو عقیده عالی که ما به الاشراف تمام احزاب سیاسیت یکی حفظ استقلال مملکت و یکی حفظ اساس مشروطیت است (صدای احسنت و تصدیق از عموم نمایندگان بلند شد) بنده با آقایان وزرا باز عرض میکنم که هر اقدامی که راجع باین دو مقصد عالی باشد بکنند هیچوجه اختلافی نخواهد بود و از طرف هیچیک از احزاب مجلس اعتراض نخواهد شد و تمام مجلس مثل باشخص واحد خواهد بود و همیشه پشتیبان آقایان وزراء خواهد بود و در این موقع عرض میکنم که این شغلی را که قبول کرده اند واقعاً بیک خدمت بزرگ است که بمملکت میکنند و تبریک میگویم و امیدوارم که بهمین زود بیاورند و بگویند زمام امور را بیک وقتی بدست گرفتیم که خاطر شاقدری نگران بود ولی اقداماتی که کردیم خوری شده است که خاطر شما از هرجهت آسوده شده است و ابتدا نگرانی نداشتید بنشینید .

**رئیس الوزراء** - واقعاً ایندفعه امیدواریم که هیئت وزرای عظام همین قسمی که نطق فرمودند اقدامات بکنند در خدمت ملت در مجلس مقدس انتظام امور مملکت و آسایش عموم همه قسم اقدام بکنند و سعی بکوشش بعمل بیآورند و همین قسم که فرمودید برای يك جنبی بعد با کمال روسفیدی در مجلس حاضر شوند و همین طور عریض خودشانرا بکنند و حسن خدمت خودشانرا بیامانند که هم اسباب تسخیر و تمجید هر دو حزب باشد و همه عموم ملت اظهار رضایت بکنند (از طرف تمام نمایندگان احسنت

گفته شد) و پیشنهادی هیئت وزرا کرده اند باید قرائت شود و بطوریت بگذرد .

**رئیس** - لایحه ایست که قبل از وقت طبع و توزیع شده است و خاطر آقایان مسیوق است لازم نیست دیگر خواننده شود البته خوانده اند - حالاً در فوریتش رأی میگیریم - آقایانیکه فوریت این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (تمام نمایندگان با اتفاق قیام نمودند)

**رئیس** - فوریتش تصویب شد - حالا باید برای بگیریم که در همین جلسه مذاکره شود آقایانیکه تصویب میکنند که در همین جلسه مذاکره شود قیام نمایند .

**رئیس** - تصویب شد - ماده اول راجع باینست - تصویب شد در وقتیکه اعلان حکومت نظامی شود زمام امور بکمیسیون راجع بامنیت و آسایش عمومیت با تصویب هیئت وزرا بتوسط وزارت جنگ اجرا خواهد شد .

**میرزا اسدالله خان** - اصلاح عبادتی در اینجا باید بشود زمام حکومت که اینجا نوشته اند صحیح نیست بجای زمام (تمام) اموریکه اگر نوشته شود بهتر است یا اینکه بنویسند در دست وزارت جنگ خواهد بود .

**رئیس** - خوبست پیشنهاد بکنند . **وزیر داخله** - اگر کلمه زمان را بردارند درست میشود .

**رئیس** - يك مرتبه دیگر بخوانید (ماده ۱ مجدداً بدون کلمه زمام قرائت شد) **رئیس** - مخالفی در ماده اول هست ؟

(اظهاری نشد) **رئیس** - رأی میگیریم بماده اول آقایانیکه ماده اول را بطوریکه قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) **رئیس** - تصویب شد ماده دوم را بخوانید (بباعتبار ذیل قرائت شد) **ماده ۲** - با مدعا که نظامی موقتی تشکیل داده شود که با سرعت و شدت در تصمیمات و اقداماتی برضد امنیت و آسایش عمومیت رسیدگی نمایند .

**رئیس** - در ماده ۲ مخالفی هست ؟ **انتظام الحکماء** - باید مدت و وقت معلوم باشد و معلوم نشده است .

**وزیر داخله** - عرض میکنم اینکه معین نشده است برای اینست که معلوم است تا وقتیکه این جاست باقیست و احتیاج بحکومت نظامی هست حکومت نظامیست ولی باز وزرا مضایقه ندارند از اینکه وقتی معین شود ولی يك نظری هم در اینجا هیئت وزرا داشته اند کس از انقضای آن مدت بازوزرا مختار باشند در استخدام حکومت نظامی و پیشنهاد کنند **رئیس** - در ماده ۲ دیگر مخالفی نیست

(اظهاری نشد) - آقایانیکه تصویب میکنند ماده ۲ را قیام نمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند) **رئیس** - با اکثریت تصویب شد (ماده ۲ را بخوانید) بعبارت ذیل قرائت شد ماده (۲) تمام حکام محاکم نظامی باید اهل نظام باشند .

**رئیس** - مخالفی هست ؟ **سالمان میرزا** - بنده میخواستم عرض کنم که عوض اهل نظام باشند بجهت اینکه اگر اشخاص نظامی پیدا کردند که بسیار خوب رؤسای محاکم نظامی خواهند بود و اگر اتفاقاً نفر از نظامیها را که لازم دارند رئیس محکمه بکنند پیدا نکردند آن وقت در يك سختی واقع خواهند شد و مطابق این ماده اجازه ندارند که از غیر نظامی داخل کنند .

**رئیس الوزراء** - این حکام نظامی که معین شده است برای این است که جنابان است که کسانیکه اسباب اختلال امور و امنیت و آسایش عمومی میشود آنها را مجازات کنند و حکم مجازات آنها را بدهند و حکم آنها را باید بمحاکم نظامی واگذار کنند تا اینکه هر طوریکه لازمست حکم کنند و معطل نشوند والا از غیر نظامی اگر بنا باشد محکمه باشد محکمه وزارت عدلیه هست واقعاً اینکار برای جناب اهالی است که از برای آن مجازات شوند .

**سالمان میرزا** - در صورتیکه آقایان وزرا قبول نفرمایند بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم **رئیس** - آقایانیکه تصویب میکنند ماده ۳ را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۴ را بخوانید (بباعتبار ذیل قرائت شد)

ماده ۴ - اشخاصیکه علا برضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود .

**رئیس** - پیشنهاد است از آقای سلیمان میرزا در ماده ۴ قرائت میشود (بباعتبار ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۴ اینطور نوشته شود اشخاصیکه علا برضد دولت مشروطه و امنیت و آسایش عمومی اقدام و خیانت آنها مدلل شده باشد محکوم بقتل خواهند بود و تمام اموال آنها از منقول و غیر منقول ابدی ضبط دولت میشود .

**معزز الملک** - بنده تصویب میکنم ماده ۴ بطوریکه از طرف وزرا پیشنهاد شده است بهتر است بجهت اینکه يك شخصیکه مرتکب این خیانت شده است در مقابل آن خیانت محکوم بقتل میشود این يك مجازاتی است در مقابل يك خیانتی و تقصیری و اینکه اموالش را تصرف بکنند این خودش يك مجازاتیست که در بعضی موارد دیگر معین میکنند حالا در این مورد مقنن میگوید که مجازات مرتکب يك چنین خلاف و تقصیری قتل است .

**رئیس** - وزرا چه میگویند در این پیشنهاد . **وزیر داخله** - هیئت وزرا هم ضرری نمیبینند در این پیشنهاد . **رئیس الوزراء** - در حقیقت اموال آنها مال وراثت آنها است آن شخص که تقصیر کرده است او را میکشند و مثل مجازات او است که بعبارات میرسد



ولی وراث او چه تصیری کرده اند که اموال آنها گرفته شود.

**حاج شیخ الرئیس** - بنده کسی را که مخالف بصادق مشروطه و مثل آسایش عمومی باشد بحکم شرع او را واجب القتل میدانم ولی همانطوریکه شرع مقدس حکم کرده است اشخاصیکه محکوم بقتل میشوند اموالشان اگر مانعی نداشته باشد بپوراک آنها منتقل میشود و نمیشود اموالشان را تصرف کرد.

**رئیس** - چون هیئت وزراء آن اصلاح را قبول کردند باید رأی بگیریم.

**وزیر داخله** - آتوقت بنده تصدیق کردم با حضرت رئیس الوزراء مذاکره کرده مانعی ندیدند لکن حالا با آقایان وزرا مشاوره کردیم آقای رئیس الوزراء و سایرین میفرمایند که آنطور نمیشود اینست که بنده هم موافقت میکنم با ایشان.

**سلیمان میرزا** - حالا که وزراء با این پیشنهاد موافقت ندارند چون قرار شده مجلس و وزرا با تقاضا کار کنند بنده پیشنهاد خود را پس میگيرم.

**رئیس** - رأی میگيريم بماده ۴ آقایانی که تصویب میکنند ماده ۴ را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۵ را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده - اشخاصی که سوءظن مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف آنها را خواهد داشت و پس از توقیف بانسنتاق آن ها شروع میشود هرگاه در استنطاق سوءظن بکلی رفع نشود شخص مضنون در توقیف باقی بماند و بعد از اختتام حکومت نظامی بدایه تسلیم خواهد شد.

**لواء الدوله** - اینجا چون مدت استنطاق را معین نکرده است استدعا میکنم که در پیشنهاد معین کنند ولی بشرط دو روز سه روز باشد.

**مهرزاد الملک** - بنده تصور میکنم خود

کلمه حکومت نظامی بعضی (برمالیتها) و بعضی خصایس دارد که در غیر موقع حکومت نظامی آنها مجری نیست حکومت نظامی در موقعیست که باید گرفت و دست و کشت و بدارزد و توقیف کرد و در صورت ترتیبات نظامی اقتضا میکند که رأفت کرد و در یک موقع فوق العاده حکومت نظامی اعلان میشود و هیچ ربط ندارد بیهیئت ترتیبات دیگر.

**رئیس** - در ماده پنجم مخالفی دیگر نیست رأی میگيريم آقایانی که ماده ۵ را بطریقی که خوانند تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب شد ماده ۶ قرائت میشود ببابت ذیل قرائت شد.

ماده ۶ - هرگاه هیئت حاکمه محاکم نظامی تخلف مجازات مقصری را مقتضی بداند اینحق را خواهد داشت که بوسطوزراء مسئول از مقام نیابت سلطنت تخفیف مجازات شخص مقصر را درخواست نمایند و غرض هیئت حاکمه احدی حق این توسط نخواهد داشت.

**رئیس** - کسی در ماده ۶ ایرادی دارد؟

ایرادی ندارد - پس رأی میگيريم در ماده ۶ آقایانیکه تصویب میکنند ماده ۶ را قیام نمایند - اغلب قیام نمودند.

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۷ را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد).  
ماده ۷ - مأمورینی که تأمین شهر بعهده آنها واگذار است در صورت سوءظن حق دخول منازل و اجرای تحقیقات خواهند داشت در صورت مقاومت و مخالفت جبراً میتوانند داخل شوند و مخالف و مقاوم قهراً دستگیر و موافق حکم محکمه نظامی قویاً سیاست خواهد شد.

**رئیس** - در ماده ۷ مخالفی هست.

(اظهاری نشد) مخالفی نیست رأی میگيريم به ماده ۷ آقایانیکه ماده ۷ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) با اکثریت تصویب شد - ماده ۸ قرائت میشود (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده ۸ - روزنامهجات و مطبوعات اگر برضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع برسانند در نوشت اولی نمرات توقیف و اخطار میشود و در نوشت ثانی اداره روزنامه توقیف خواهد شد در صورتیکه تحریک بضرمت دولت شده باشد متصدیان یا مدیران آن ها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهد شد.

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۵ را بخوانید (ببابت ذیل قرائت شد).

ماده - اشخاصی که سوءظن مخالفت با دولت مشروطه و امنیت و انتظام عمومی در حق آنها بشود قوه مجریه حق توقیف آنها را خواهد داشت و پس از توقیف بانسنتاق آن ها شروع میشود هرگاه در استنطاق سوءظن بکلی رفع نشود شخص مضنون در توقیف باقی بماند و بعد از اختتام حکومت نظامی بدایه تسلیم خواهد شد.

**لواء الدوله** - عرض میکنم تمام خرابی منکبت ایران بواسطه نبرهای اراجیف روزنامه است عوام ها که خبری ندارند بلکه خواس هم خبری ندارند همین خبرهای غیر مستقیم را درج کردن خانه مردم را خراب کرده است عقیده بنده اینست که خبر های غیر مستقیم را هم ننویسند در روزنامه.

**رئیس** - هر چه بمقدمات خوبست کتباً پیشنهاد کنید.

**محمد هاشم میرزا** - عرض میکنم نسبت بسواد بیش و مجازات هایی که سابقاً معین شده بود و رأی داده شد عقیده بنده اینست که برای مدیر روزنامهجات هیچ مجازاتی معین نکرده در مرتبه اول که توقیف روزنامه است و اگر در مرتبه ثانی مرتکب شد چه مجازات میشود توقیف روزنامهجات را که معین کردیم بقیه بنده در دفعه ثانی اگر انتشارات فوق العاده داد آنوقت مدیر مجازات شود.

**رئیس** - اصلاحی است از ضرف آقای کردستانی قرائت میشود (اصلاح مزبور ببابت ذیل قرائت شد).

ماده ۸ - روزنامهجات و مطبوعات اگر برضد اقدامات دولت انتشاراتی بطبع برسانند نمرات روزنامه و اداره روزنامه توقیف خواهد شد در صورتیکه تحریک بضرمت دولت شده باشد متصدیان یا مدیران آن ها موافق حکم محکمه نظامی مجازات خواهد شد.

**رئیس** - وزراء چه می گویند در این پیشنهاد **وزیر داخله** - وزراء هر چه راجع باین اقدامات با سایر اقدامات دولت باشد مضر میدانند.

**آقا شیخ محمد خیابانی** - به گذرانند این مواد معلوم است که يك امر فوق العاده است و در این مجلس باید بکنند اما بعضی اقدامات عادی و جاریه داریم که وزراء بآن اقدام خواهند کرد و هیچ مربوط بامنیت منکبت نیست و در آنجا لازم نیست زیرا ممکن است که جرایم از راه یاد آوری راجع بامور مالیه یا غیر آن چیزی بنویسند نه از راه غرض بلکه بطور یاد آوری حق داشته باشند بنویسند که وزراء فلان اقدام را کرده اند یا مسامحه شده است آنها را خاطر نشان کنند بنده عقیده ام اینست که در آن قبیل چیزها آزاد باشند از این جهت پیشنهاد کردم و مخالفتی هم با دولت ندارد.

**رئیس** - رأی میگيريم باین اصلاح آقای خیابانی آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (تصویب نشد).

**رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد لواء الدوله قرائت میشود (پیشنهاد مزبور ببابت ذیل قرائت می شود).

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده هشتم اینجمله اضافه شود انتشاراتی و غیره ای غیر مستقیم و جعلی را بطبع برسانند.

**لواء الدوله** - عرض میکنم مستقیم کلمه عربی است همه میدانند مستقیم یعنی راست غیر مستقیم یعنی کج آن چیزی که غیر مستقیم باشد و در روزنامه درج شود باعث اغتشاش میشود از این جهت نظرم آمد اگر بنویسند بهتر است و خبر های جعلی تقریباً پوست اهالی را کشته است مثلاً بنویسند فلان خبره مستقیم بیا رسیده است که فلان شخص از فلان جا حرکت کرده است از خودش هم بنویسند از روزنامه دیگری کسب میکند و برای يك خبر غیر مستقیم اسباب تشویش خاطر مردم را فراهم میکنند این است نظر بنده.

**رئیس** - هیئت وزراء قبول میکنند.

**وزیر داخله** - به بنده قابل توجه میشود یا نمیشود.

**رئیس** - رأی میگيريم با اصلاح آقای لواء الدوله آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد).

**رئیس** - قابل توجه نشد آقایان وزراء پیشنهاد آقای کردستانی را قبول دارند.

**وزیر داخله** - به بنده قابل توجه میشود یا نمیشود.

**رئیس** - رأی میگيريم با تصویب آقای لواء الدوله آقایانی که قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ماده ۹ قرائت میشود.

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

و تقاضای يك حکومت نظامی میکند یعنی چه یعنی تقاضای يك حکومت خیلی سخت جدی یعنی يك حکومتی که آن رفت قلب را کنار گذاشته یعنی يك حکومتی که دولت میخواهد با يك پنجه آهنین ریشه فساد را بکند البته حکم یکی است و این ماده ۸ که اینجا نوشته شده است آن قسمت اولش بطوری که ابتداء نوشته شده بود در حقیقت با سایر مواد این قانون میبایست نداشت. بنده قدر يك روزنامه نویس برضد اقدامات دولت چیزی نوشت باو اخطار میکنند که این چه فایده دارد ممکن است از این قبیل از صد نفر دو نفر روزنامه نویس نباشد که سهو میکنند ولی در اینطور موارد همیشه نباید نظر به مستثنیات بردر خطا کرده است میخواست دقت کند تا خطا نکند همانطور که مجازات تقصیر را می بینند باید مجازات خطا را هم به بینند بعضی اینک برضد دولت يك اقداماتی در روزنامه کرد باید جدا جلوگیری شود فوراً باید آن روزنامه را توقیف بکنند و تصور میکنم يك چیزی از قلم افتاده است خود آقا میرزا اسدالله خان تصدیق خواهند کرد و مقصود ایشان هم همین بوده است مقصود این است اداره روزنامه توقیف میشود در مقابل آن خبر بدی و آن ضدیستی که با اقدامات دولت در روزنامه طبع شده است علاوه بر اینکه آن اداره توقیف بشود خود آن نمرات هم نباید بگذارند در شهر منتشر بشود پس هم آن نمرات را توقیف کنند هم اداره توقیف بشود.

**رئیس** - يك مرتبه دیگر اصلاح آقای کردستانی قرائت میشود (مجدداً قرائت شد).

**رئیس** - هیئت وزراء همین اصلاح را قبول دارند.

**وزیر داخله** - به بنده قابل توجه داریم.

**رئیس** - چون آقای سلیمان میرزا ماده ۸ را بطور اصلاح پیشنهاد کرده است اول باید دراز رأی بگیریم بترتیبی که در لایحه نوشته شده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (معدودی قیام نمودند).

**رئیس** - تصویب نشد - حالا رأی می گیریم در این ماده هشتم بصورتیکه آقای کردستانی پیشنهاد کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - ماده ۹ قرائت میشود.

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

**رئیس** - مخالفی هست در ماده نهم **مهرزاد الملک** - عقیده بنده اینست هم انطور که دولت یک عده مستخدم خود را فرار میدهد در حق آنها همه قسم مساعدت را مینماید البته وقتی که از آنها هم يك خطائی صادر میشود در مقابل سایرین بالنسبه بآنها باید سخت تر باشد باین جهت بنده تصور میکنم که ماده اینطور نوشته شود: مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند داده میشود بکسرجه بالاتر از آن

ماده ۹ - مجازاتی که در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولت بوده اند داده شده قابل تخفیف نیست.

مجازاتی است که سایرین داده میشود و قابل تخفیف نیست.

**حاج شیخ الرئیس** - بنده اگر چه موقع را موقع مناقشه لفظی میدانم ولی مجازاتیکه میشود قابل تخفیف نیست یعنی چه البته مجازات بعد از وقوع قابل تخفیف نیست خوب است نوشته شود احکامی که در مجازات آن ها صادر می شود قابل تخفیف نیست.

**حاج وکیل الرعایا** - بنده گمان می کنم در بعضی نشود چیزی بر او افزود بعد از قتل چه می تواند بر او افزود مجازات بعد از وقوع قابل تخفیف نیست مثل این است که بگوئیم بعد از قتل او را معاف کنیم غالباً مجازاتیکه در اینجا هست اعدام است.

**محمد هاشم میرزا** - چون در ماده هشتم نوشته است که آن هیئت حاکمه از مقام نیابت سلطنت عظمی تقاضا میکنند تخفیف مجازات مقصر را و این را میتوانستند از او است یعنی مستخدمین دولت حق نخواهند داشت که تخفیف آن ها را تقاضا کنند یا غیر در صورتیکه این است باید توضیح داده بشود و قدری واضح تر نوشته شود والا ظاهر او با هم تباین دارد.

**وزیر داخله** - اولاً این اصل عبارتی که آقای حاج شیخ الرئیس فرمودند صحیح است و باید همان طوریکه فرمودند اصلاح شود و اما آنچه را که آقای میرزا الملک فرمودند که بایستی مجازات آن ها يك درجه زیادت از سایر مجازات مقصرین باشد هیئت وزراء همینقدر قابل تخفیف نبودن مجازات آن ها را بکسرجه بالاتر داشته اند اما اینکه شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند که این استثناء از آن ماده قبل است - به این استثناء از آن ماده قبل است.

**رئیس** - دیگر مخالفی نیست رأی میگيريم بماده ۹ بکسرجه دیگر قرائت میشود (مجدداً قرائت شد).

**آقا شیخ ابراهیم** - حکم قابل تخفیف نیست باید نوشته شود اینطور مجازاتیکه در حق مستخدمین دولت و کسانی که متصدی امور دولتی بوده اند مقرر میشود قابل تخفیف نیست (گفتند صحیح است).

**رئیس** - رأی میگيريم باین ماده ۹ با اضافه لفظ (مقرر میشود) آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد ماده ۱۰ قرائت میشود.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.

ماده ۱۰ - ببابت ذیل قرائت شد (اجتماعات وانجمن ها در مدت حکومت نظامی باید بکلی موقوف و متروک باشد اگر اجتماع منعقد شود بجز داخله و اولی پاسبان باید متفرق شوند و در صورت مقاومت یا مخالفت مقاوم یا مخالف جلب بحکمه نظامی و محکوم بمجازات خواهد شد هرگاه اجتماعات مزبوره کلاً یا بعضاً مسلح باشند مقارن هم اخطار اولی حاملین اسلحه توقیف و موافق حکم محکمه نظامی مجازات می شوند.







گفته شد که لازم نیست یک همچو ماده نوشته شود . رئیس - هر کس لازم نمیداند در موقع رأی گرفتن رأی نخواهد داد ... حالا که عده پیشنهاد راجع به همین موضوع شده است قرائت میشود و رأی می گیریم . ( پیشنهادی از طرف آقای معززالملک بپارت ذیل خوانده شد )

ماده - حکومت نظامی شامل نقاطی خواهد شد که دولت در آن نقاط اعلان حکومت نظامی را لازم بداند .

رئیس - همین عبارت را وزراء قبول دارند ؟ وزیر داخله - بنده همین را قبول دارم ( آقای میرزا ابراهیم خان این ماده را باین مضمون پیشنهاد نمودند )

ماده - حکومت نظامی در هر شهری که دولت لازم بداند بعد از اعلان برقرار خواهد شد

حاج عز الممالک - با اعتقاد بنده همان طوری که در اول نوشته شده بود که وقتیکه دولت لازم بداند شامل آن نقاط میشود بهتر است حالا اینجا نوشته نشده است که در هر شهری بقیه بنده هیچ لازم نیست بموجب همان ماده هر نقطه لازم میشد اعلان میکرد این ماده که نوشته شده است اختصاص بشهر دارد و هیچ لازم نیست و اگر باسم نقاط بود هر جا در موقع لزوم اعلان حکومت نظامی میشد

حاج آقا - بنده از اول پیشنهاد این مطلب را هیچ لازم ندانم زیرا لایحه وزراء بالطبع شامل این ترتیب است و همان پیشنهاد وزراء بهتر است بواسطه این که این موادیکه اینجا نوشته شده است برای جلوگیری است پس این هیچ لازم نیست که ما بگوئیم این مواد بالنسبه بعضی از نقاطی است که دولت لازم بداند بواسطه این که این موادیکه اینجا نوشته شده است در هر کدام کما ملاحظه میکنیم از اول تا آخر امروز يك چیزی است که در هر نقطه باشد دولت باید با یک صوت و پنجه آهنینی بر خلاف ترتیب عادی اقدام کند و در هر نقطه هم که نباشد راجع باینست است پس این هیچ لازم نبود که ما بگوئیم که این مواد بالنسبه بعضی نقاطی است که دولت لازم بداند امروز يك قانونیکه از این مجلس شورای میگذرد تمام اهالی باید بدانند که شامل تمام نقاط است و کسایکه در صدر افساد مملکت هستند فرق ندهند و بگویند که امروز دولت در فلان نقطه اعلان نکرده و من میتوانم هر کاریکه بخواهم بکنم امروز باید این قانون اعلان شود در این مملکت و هیئت دولت باید اظهار قهرمانیت خودش را در مقابل اشخاصی که مفسدین مملکت هستند بنمایاند .

رئیس - مخالفی نیست ؟ دکتر سعیدالاطباء - بنده باین پیشنهاد که شده است مخالفم . معززالملک - کلبه یار در باره بنده تکرار میکنم يك کلمه را که عرض کردم حکومت نظامی يك چیزی نیست که شامل تمام مملکت باشد بلکه حکومت نظامی برای رسیدن به مقصودی و يك

جهتی است وقتیکه آن جهت در بعضی نقاط مرتفع شد دیگر هیچ لازم نیست استقرار حکومت نظامی در آنجا ها بشود و اگر در مشرق مملکت بیک نقطه محتاج بحکومت نظامی است نباید در مغرب مملکت هم آن قانونیکه میگذرد مجری باشد علی الخصوص نباید فراموش کرد حکومت نظامی کلبه يك چیز خیلی ساده و آسانی نیست و اسبابی لازم دارد و اگر ما بگوئیم که در يك همچو مملکتی ...

رئیس - آقای ادب التجار چرا توجه نمیکند معزز الملک در تمام نقاط حکومت نظامی اعلان میشود بنده تصور میکنم علاوه بر این که مادرتام نقاط مملکت لازم ندارم در آنجاها هم که ما محتاج باین اقدامات نیستیم بنده تصور میکنم که خود دولت هم راضی نخواهد شد که در تمام جا ها این قانون اجرا و اسباب زحمت نشود و این ماده را که از اینجا میگذرد يك ماده نفوی بکنند پس وقتی که قانون نوشته میشود طوری نوشته شود که ممکن الاجری باشد در هر جا يك طرز معینی دارند بنابر این باید در این قانون اعلان حکومت نظامی را بنظر خود دولت واگذار کنند که در هر حال لازم میدانند در آنجا حکومت نظامی اعلان بکنند و این مطلب هیچ منافاتی با فرمایشات آقای حاج آقا ندارد بجهت آنکه اگر فرض محال تصور فرمائید که اجرای این قانون در تمام نقاط مملکت لازم است باز مطابق همان ماده حق خواهد داشت که اعلان حکومت نظامی در تمام مملکت بدهد که در هر جا لازم ندانند حکومت نظامی را اعلان نکنند بنده عرض میکنم شاید دولت در پنج نقطه لازم بداند دیگر هیچ لازم نیست اینقدر اسباب سختی باشد پس باینجهت باید این مسئله را واگذار کرد بنظر خود دولت و گفت که در هر نقطه که دولت لازم بداند مختار است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است لاجون وزراء قبول کردند لازم نیست قابل توجه شود رأی میگیریم آقایانیکه این ماده را تصویب می کنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد در کلیات مخالفی هست ؟ ( اظهاری نشد ) در کلیات مخالفی نیست پس رأی میگیریم در این لایحه که متضمن ( ۱۱ ) ماده و دو الحاقیه است آقایانیکه تصویب مینمایند قیام کنند ( قریب با اتفاق قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد جلسه فردا ۳ ساعت ونیم بظهر مانده است دستور هم همان است که سابق اعلان شد مجلس بیست دقیقه بعد از غروب ختم شد .

جلسه ۲۷۱ صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۲۶

نایب رئیس - ( آقای متین السلطنه ) چهار ساعت و چهار ربع دقیق بعد از ظهر بتمام ریاست جلوس و چهار ساعت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر مجلس رسماً افتتاح شد . صورت جلسه فوق العاده روز چهارشنبه را آقای آقامیرزا رضاخان نائیبی قرائت نمود . غائبین جلسه قبیل - آقای دکتر اسمعیل خان آقای آقا سید محمد باقر ادیب بدون اجازه آقایان

متین السلطنه - حاجی میرزا رضاخان - اسان الحکماء حاجی امام جبهه - دکتر حاج رضاخان - آقا شیخ حسین یزدی بواسطه بی اطلاعی غایب بودند . نایب رئیس - آقای حاج شیخعلی در صورت مجلس فرمایشی دارید . حاج شیخعلی خراسانی - بله موادی که از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شد اکثر آنها باتفاق تصویب شد و فوریت آن بانفان رأی داده شد در صورت مجلس هم رأی نوشته است با اکثریت تصویب شد لهذا بنده عرض میکنم که باتفاق است یکی دیگر هم اینکه آقای رئیس وقت انعقاد مجلس را سه ونیم بغروب اعلان کردند .

نایب رئیس - بله در یکی دو مواد اکثریت قریب باتفاق بوده است . آقا سید محمد حسن مدرس - بنده در باب اسلحه يك توضیحی از وزراء خواستم ظاهراً اظهار کردند که مرادشان همان اسلحه ناره است و این يك نکته داشت چون در ماده تصریح نداشتند از حال و بیانشان معلوم بود که تصدیق قبول ندارند که مقصود اسلحه ناره است و اینجا ذکر نشده است .

نایب رئیس - در اینجا بعضی اعم است . آقامیرزا احمد قزوینی - بنده در کلیات بک عرضی کردم و در آن عرض پیشنهاد کردم و قبول شد راجع به تعیین محل حکومت نظامی و در اینجا هیچ ذکر از آن نشده است . نایب رئیس - گویا کتباً پیشنهاد نشده بود حاج شیخ الرئیس - یکی آنکه بنده نشنیدم کوزیر مالیه را در صورت مجلس ذکر کرده باشند و حال آنکه آقای رئیس الوزراء معرفی کردند یکی هم بنده در ضمن پیشنهاد نماینده محترم در باب مصادره اموال مستبدین یعنی مخالفین مشروطه چیزی عرض کرده ظاهراً قابل مذاکره ندانسته اند .

نایب رئیس - بله تصحیح خواهد شد . قسمت اول دستور امروز راپورت کمیسیون بودجه راجع باحداث دفتر خانه گمرکی در کنار رودخانه . معاون وزارت معارف - لایحه تجدید کثرتت معلمین را وزارت معارف لازم میدانند تجدید نظری در آن بشود بنده تقاضا میکنم آترا ارجاع بفرمائید بکمیسیون که در آنجا تجدید نظر بشود .

نایب رئیس - بله جزء دستور امروز بوده است ولی چون تقاضا کردید بکمیسیون ارجاع میشود راپورت کمیسیون بودجه راجع باحداث دفتر خانه گمرکی در رودخانه که در کنار خلیج فارس در شمال غربی بوشهر واقع شده قرائت گردید . نظر باینکه اغلب قاجاق های صفحات جنوب از رودخانه و این نقطه شده و احدات دفتر گمرک در آن نقطه کمال اهمیت را دارد و استخدام خوانین متوقفین آن نقطه در نهایت لزوم است و از قرار اظهار وزارت مالیه ممکن است تشکیل اداره منظم در نقطه مزبور مسالی چهل الی پنجاه هزار تومان عایدی برای دولت تحصیل

نماید وزارت مالیه پیشنهاد نموده اند در سال مبلغ يك هزار تومان در حق خوانین مزبور بوجه ماده ذیل برقرار شود پس از مذاکرات لازمه نظر با همیت تأسیس اداره گمرک و اطلاعاتیکه از قرار راپورت های واصله از گمرک جنوب برای کمیسیون حاصل شده باتفاق آراء بموجب ماده ذیل تصویب بیکهزار تومان در باره خوانین مزبور مینماید

ماده واحده - مبلغ يك هزار تومان مواجب برای استخدام گمرک در ماده الله کرم خان پسر حیدرخان و شبانملی خان و محمد حسن خان اخوان حیدر خان از هذمه لسنه تنگور رئیس برقرار میشود

ارباب کیخسرو - آنچه اینجا اسم برده شده است این هزار تومان برای تأسیس يك دفتر خانه گمرکی است ولی اینجا اسمی اشخاصی برده شده است نمیدانم اگر این اشخاص از بین بروند چه خواهد شد بقیه بنده اگر باسم تأسیس دفتر خانه گمرک شود بهتر است یا اینکه باسم اشخاص و اجزاء لازم اداره باشد بهتر از اینست که باسمی معین ذکر شود .

حاج عز الممالک - این مخصوصاً يك مواجبی است که وزارت مالیه برای این اشخاص تقاضا کرده است در مقدمه هم اگر درست دقت بفرمائید این مسئله قدری توضیح شده است از جهت اهمیت این نقطه از حیث قاجاق خیلی لازم است که در آنجا دفتر گمرکی احدات بشود اداره گمرک بعد از آنکه کاملاً در آن نقاط جنوب موفق شده است حس کرده است که قاجاق اسلحه از این نقطه خیلی میشود و بموجب راپورتیکه در سنه گذشته

بوزارت مالیه داده اند لازم دانسته اند که دفتر گمرکی در رودخانه تأسیس شود و ارسال هم اعتباری از وزارت مالیه گرفته اند و همین اعتبار این باید در رودخانه تأسیس بشود و از حیث تجارت و اهمیت و پلیتیکي که مبیاستی دولت ایران يك دفتر خانه گمرکی در آنجا داشته باشد آن وقت لازم میآید که این خوانین هم مستخدم شوند و دولت آن ها را استخدام کرده است برای گمرک و این مواجبی است که دولت میدهد باین اشخاص در عوض استخدام این اشخاص و مربوط بگمرک نیست و اینجا نکات زیادی دارد که شاید بیشتر از این توضیح لازم نباشد و در حقیقت این يك مواجبی است که دولت به آنها میدهد برای اینکه در خدمات گمرکی باشند

حاج شیخ اسدالله - این فرمایشی که آقای مخیر فرمودند با این ماده که اینجا نوشته شده است که تأسیس دفتر خانه گمرکی در يك نقطه فرض کرده اند و يك حقوقی پیش بینی میکنند برای آن دفتر خانه میبایست داد یا اینکه بفرمائید که برای استخدام این اشخاص این وجه را میخواهم چون يك وقتی است که دولت میخواهد برای تأسیس دفتر گمرکی از مجلس يك حقوقی تصویب بشود بجهت این اداره در این نقطه محل آنوقت باید نظری باین اشخاص کرد باید اعتباری وزارت مالیه بخواهد برای تأسیس دفتر خانه گمرک و بهر کس کمیخواهد این وجه را بدهد خود میدانند ولی اگر بخواهند استخدام این اشخاص را برای این نقطه و حقوق از برایشان منظور بکنند آن يك امری است خارج بنده عرض نمیکم که اینکار را بکنند مختار

استولی دخلی باین ماده که در اینجا نوشته شده ندارد و این ماده باین بیانی که آقای مخیر کردند بکلی مخالفت دارد و باید واضح شود که مطلب واضح باشد .

حاج عز الممالک - اینجا آقای حاج شیخ اسدالله اشتباه فرمودند بجهت اینکه مقدمه را با ماده مخلوط فرموده اند در ماده اگر دقت بفرمائید هیچ اسم دفتر خانه گمرکی برده نشده در مقدمه برای اطلاع نمایندگان ذکر شده است که برای اینکه در این نقطه میخواهند دفتر خانه تأسیس شود يك مواجبی باین اشخاص باید داد در این ماده میگوید که مبلغ بیکهزار تومان مواجب برای استخدام گمرک در باره الله کرم خان پسر حیدرخان و شبانملی خان و محمد حسن خان اخوان حیدر خان از هذمه لسنه تنگور رئیس برقرار میشود

آقامیرزا رضای مسوقی - بنده مخالفم عرض میکنم مواجبی شخصی فرمودند که در دفتر دار میخواهند این مواجبی شخصی نیست و اگر برای آنها چیزی میخواهند عین بده پیشنهاد بکنند که از مجلس بگذرد

حاج وکیل الرعایا - مقصود از این پیشنهاد وزارت مالیه و این هزار تومان وظیفه که مخصوصاً باین اشخاص معین باید داده شود توضیحش محتاج باین است که هر یک از نمایندگان کمیل دارند بکمیسیون بودجه باز است باینجا تشریف بیآورند و به بینند مقضی هست این را بگیرند یا خیر اینجا نمیشود بیان کرد لکن آن وظیفه که باین اشخاص معین داده میشود فقط برای محافظت قاجاق است و لکن داخل دخارج دفتر نیست این وظیفه است مخصوص بوجه فرمان در باره اشخاص برقرار میشود دفتر خانه خودش يك ترتیبی دارد و اداره هست این يك حقوقی است در باره اشخاص بخصوص برقرار میشود و تمام مصالح مملکت را در نظر گرفته اند و این تقاضا از وزارت مالیه کرده اند و وزارت مالیه هم تصدیق کرده کمیسیون بودجه هم بالاتفاق تصویب کرده است جزئیاتش را هم هر يك از آقایان میخواهند مسبق شوند در کمیسیون بودجه تشریف بیآورند خوب میتوانند تشخیص بدهند و این هیچ جزء مواجبی اداری نیست و لزومش هم خیلی است

آقامیرزا مرتضی قلیخان - این مسئله که فرمودید مطالعه نشده است و مسبق نیستند در دفتر راپورت کمیسیون بودجه راجع بعین خان و غلامحسین خان که باید مذاکره شود و رأی گرفته شود و گنان میکنم اگر آن دو فقره رأی گرفته شود با گرمی هوا اگر مجلس ختم بشود بهتر است

نایب رئیس - در این اظهار آقای میرزا مرتضی قلیخان مخالفی نیست ( اظهار شد خیر ) جزء دستور است

نایب رئیس - راپورت کمیسیون بودجه راجع ببادر غلامحسین خان مجاهد خوانده میشود . ( بپارت ذیل قرائت شد )

لایحه وزارت مالیه راجع ببادر پیر غلامحسین خان مجاهد قرائت گردید وزارت مالیه اظهار داشته اند غلامحسین خان مجاهد در ملازمت آقای سیداراعظم در فتح قزوین متوکل گردیده مادر پری دارد که کفالت او را منحصرأ غلامحسین می نموده و بعد از قتل پسر در حال فلاکت است پیشنهاد نموده اند ماهی پنج تومان در حق ماد او برقرار شود پس از مذاکرات

مستخمینی که در فلان محل برای فلان کار استخدام خواهد کرد احدی مانع نیست که آن اشخاص مخصوص را دولت استخدام بکند اینجا مقصود مخالفین این است که چون حقوق شخصی نیست اداری است اسمی اشخاص صحیح نیست که در اینجا باشد .

حاج عز الممالک - بنده باز تکرار میکنم اظهار خودم را که این حقوق شخصی است چندین مرتبه هم میگویم که شخصی است چنانچه در مالیه هم اسم اشخاص برده شده باز آقایان بفرمایند اداری است این اشخاص بموجب فرمان پادشاه میخواهند مواجبی درباره آنها برقرار شود که در مورد فرمان صادر شده و فرمان صادر نمی شود مگر بتصویب مجلس شورای ملی بعد از آنکه حس کردیم که تأسیس دفتر گمرک در این نقطه مهم است و استخدام اینها هم برای تقویت گمرک آنجا لازم شد آنوقت باید تصویب کنیم که این ماده از مجلس بگذرد و در آن فرمان صادر شود که تشکیل آن دفتر خانه بشود .

نایب رئیس - رأی گرفته میشود بنده که از کمیسیون پیشنهاد شده آقایانیکه تصویب میکنند مبلغ بیکهزار تومان مواجب برای استخدام گمرک در باره الله کرم خان پسر حیدرخان و شبانملی خان و محمد حسن خان اخوان حیدر خان از هذمه لسنه تنگور رئیس برقرار میشود ( در این موقع اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان احضار نمودند ) ورقه سفید علامت قبول ۵۱ ورقه آبی علامت رد يك اوراق بلا اسم ۲

نایب رئیس - با اکثریت ۵۱ رأی تصویب شد قسمت ۲ دستور امروز راپورت کمیسیون معارف در تجدید کثرتت معلمینی بود که آقای معاون وزارت معارف تقاضا کردند بجهت تجدید نظر بکمیسیون رجوع شود و چون چیز دیگری در دستور نداریم راپورت کمیسیون معارف راجع بقانون اساسی معارف و در باب چند ماده که برگشته بود بکمیسیون رسیده است اگر مخالفی نیست در دستور امروز گذارده شود .

آقامیرزا مرتضی قلیخان - این مسئله که فرمودید مطالعه نشده است و مسبق نیستند در دفتر راپورت کمیسیون بودجه راجع بعین خان و غلامحسین خان که باید مذاکره شود و رأی گرفته شود و گنان میکنم اگر آن دو فقره رأی گرفته شود با گرمی هوا اگر مجلس ختم بشود بهتر است